

بررسی و تحلیل آیین نمادین اسب چوبی؛ آیینی بزمی و رزمی در نهضت سربداران

مجید عسکری^۱

ملک سیما تقی‌زاده^۲، مریم حاجیلو^۳

چکیده:

سربداران، غیور مردمی بودند برخاسته از دیار بی‌هق که برای دفاع از سرزمین و دین و ایمانشان در برابر قوم وحشی مغول و تاتار با شعار "سربدار می‌دهیم اما تن به ذلت نمی‌دهیم" به پا خاستند. آن هم در اختناقی که، داشتن سلاح و آموختن فنون مبارزه، جرم محسوب می‌شد. قهرمانان پهلوانی که مسلح به سلاح حمیت و غیرت بودند، برای آموزش رزم، در مراسم بزم، از آیین اسب چوبی استفاده کردند. اسب چوبی بعنوان آیینی نمادین نشانگر مقاومت و پایداری مردم این مرز و بوم مطرح و شناخته شد. این مقاله که با شیوه‌ی گردآوری مطالب و بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی و استفاده از منابع معتبر و مستدل ارائه شده است، به بررسی و تحلیل آیین سنتی اسب چوبی در قیام سربداران پرداخته است. آیینی که به ظاهر مراسم بزم بود ولی در واقع، به شیوه‌ای رندانه به آموزش رزم می‌پرداخت. رسمی که همچنان در مراسم‌های ملی و مذهبی در سبزوار - دیار سربداران - برگزار می‌شود. این آیین توسط هنرمندان بزرگ این دیار ترویج و توسط جوانان زنده و پویا به یادگار مانده است و نشان از قدمت و تاثیر آن بر این مرز و بوم پرگهر دارد.

واژگان کلیدی: آیین نمادین؛ اسب چوبی؛ بزم و رزم؛ سربداران.

۱. کارشناس مدیریت آموزشی

۲. کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی

۳. دیپلم ریاضی

مقدمه

تاریخ گواه است که همواره با یورش و تاخت و تاز کشوری بر کشور دیگری، در قوم‌ها و فرهنگ‌های مختلف فراز و نشیب‌های بسیاریرخ داده است و مردم بومی به هر طریق ممکن آستین همت به حفظ و حراست از هویت ملی و میهنی خود بالا زده‌اند. در این میان، ایران که درجاده‌ی ابریشم قرار داشته و شاهراه ارتباطی بین غرب و شرق بوده، در تمامی دوران و اعصار با کشورهای بیگانه و یغماگر دست و پنجه نرم کرده است. و گاهی با تک تک مردمش، و همه-ی شهرستان‌ها و ولایاتش، که عرصه‌ی تاخت و تاز اقوام و ملل مختلف بوده‌اند؛ به دفاع از هویت و ملیت خود پرداخته است. آنان از راه‌های مختلفی از جمله نوشتن کتب مختلف، سرودن اشعار ملی و مذهبی، و نیز، با داستان‌سرایی‌ها و انواع هنرهای تجسمی و همچنین کاربرد نمایش‌های هنری و سنتی به مقابله با حربه‌های دشمن و حفظ فرهنگ و آیین و رسوم ملی خود پرداخته‌اند. «از همین رهگذر گونه‌های مختلف و فرم‌های متفاوت درام، حرکات موزون و رقص‌ها، کارناوال‌های نمایشی و بسیاری از انواع بازی‌ها، در بین ملل متأثر از خاستگاه اعتقادی و دینی و مذهبی است. باید افزود که بخش وسیعی از نمایش‌های سرور انگیز مربوط به اعیاد و جشن‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیست.» (نصری اشرفی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۵۵)

اگرچه جای‌جای سرزمین ایران، همواره دست خوش غارت و تهاجم بوده است، ولی برخی از شهرستان‌ها و ولایاتش بیش از سایرین، از نزدیک دستی بر آتش مبارزه با متجاوز و یغماگر داشته‌اند و بیش از سایر شهرها خون و خسارت داده‌اند. از جمله استان خراسان، که یکی از قدیمی‌ترین نواحی است که به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده‌ی ابریشم، فراز و نشیب‌های بسیاری از سر گذرانده است. به طوری که هر کدام از آن وقایع تاریخی، ردپایی بر این قسمت از ایران به جای گذاشته است. دوران سربداران یکی از مهم‌ترین رخدادهایی است که این سرزمین به خود دیده است. سربداران در زمانه‌ای به ایستادگی و مقاومت سر برافراشتند که قوم ویرانگر مغول، ایران را عرصه‌ی تاخت و تاز خود کرده بودند. فرهنگ و هنر و کتاب نیز از یورش آنها جان سالم به در نبرد و بر شهرهای آباد، سم اسبان مغول، گرد ویرانی نشانند. درست در زد و خورد و یورش و تهاجم و تعرض این قوم وحشی بود که گروهی از مردم بی‌هق (سبزوار کنونی) پا به عرصه‌ی وجود نهادند و با رهبری شیخ خلیفه در مقابل این قوم قد علم کردند. پهلوانانی که به یاری غیرت و همت به پا خاستند و از خون خود گذشتند تا شرف و

آزادی، رنگ زندگی بگیرد. اگر چه تا بوده، نهضت‌های بزرگ و قهرمانان ملی، مجسمه‌ی عدالت و آزادی شدند و سر از آثار مکتوب و مجسم در آوردند؛ ولی گاهی این آثار به صورت مکتوب و مجسم نیستند؛ بلکه توانسته‌اند در فرهنگ و آیین و آداب فولکلور (شفاهی) مردم نفوذ کنند و سینه به سینه شرح حماسه‌های بزرگ‌مردانی دلیر شوند و گاهیبه آیین یا نمادی سمبلیک تبدیل گردند.

هرچند هر کدام از رسوم و نمادها برای هدف خاصی به نمایش گذاشته می‌شوند. نمادپردازی و از طرفی معناکاوی آن، نقش مهمی در بررسی و مطالعات هنری و تاریخی دارد. یکی از راه‌های دست یابی و فهمیدن اهداف و مقصود هنرها، معناکاوی و بررسی نقش و نمادهای موجود در آداب و رسوم هر قومی است و می‌توان با کنکاش از هنرهای سنتی و نمایشی به این هدف دست یافت. (بهمنی، ۱۳۸۹) از جمله آیین اسب چوبی که همچنان می‌توان نمایش آن را در بیشتر بزم‌های این مرز و بوم مشاهده کرد. آیینی که اگرچه قدمت آن را چند هزار ساله می‌دانند، ولی اوج‌گیری و رونق آنرا مربوط به زمان مغولان و نهضت سربداران عنوان می‌کنند. جای پرسش است که آیا آیین نمادین اسب چوبی را می‌توان منسوب به دوران سربداران دانست؟ این آیین به چه دلیل به کار گرفته شده است و هدف اصلی از انجام آن چه بوده است؟ آیین اسب چوبی چگونه اجرا می‌شده است؟ آیا آیینی رزمی بوده است یا بزمی؟ در این تحقیق سعی بر آن است که ارتباطی بین هنر نمایشی و نماد و تاریخ این مرز و بوم برقرار شود و به معناکاوی و بررسی آیین نمادین اسب چوبی در نهضت سربداران پرداخته شده است. هنری که در سراسر تاریخ پر فراز و نشیب ایران، بزرگترین مایه و خصیصه‌ی هر دوره بوده است و توانسته فرهنگ و آداب و رسوم گذشتگان را برای آیندگان به میراث گذارد.

با کمال تأسف، علی رغم تلاشها و پیگیریهای نویسندگان این مقاله و با وجود مراجعه به مراکز اسناد و کتابخانه‌ی ملی و کتابخانه‌های عمومی و تخصصی در شهرستان سبزوار و استان همدان و البرز، و گشت و گذاری در بین کتب و مجموعه مقالات "مردم شناسی" و تاریخ عامه و فولکلور مردم ایران هیچ منبع معتبر و مستدلی از آیین "اسب چوبی" بدست نیامده است. این در حالیست که اسب چوبی یکی از آیینهای سنتی مرسوم در سبزوار با قدمتی بیش از هزار ساله است؛ که در گروه هنرهای آیینی و نمایشی، به عنوان نخستین اثر، در ردیف میراث

معنوی خراسان رضوی، در مورخه‌ی ۱۸ بهمن ماه ۱۳۸۸، به شماره ۷۹ به ثبت رسیده است و در موزه مردم‌شناسی سبزوار نیز غرفه‌ای به معرفی آیین اسب چوبی اختصاص یافته است.

قیام و نهضت سربداران

چنان که از تاریخ برمی‌آید، پس از مرگ ابوسعید ایلخان مغول، جنگ داخلی بین خان‌ها و امیران محلی شدت می‌یابد و خودسری و ستمگری آنان رو به فزونی می‌گذارد. تا اینکه در آغاز سال ۷۳۷ق، طوغای تیمورخان به ایلخانی برگزیده می‌شود و این درست زمانی است که مدتی از دعوت شیخ خلیفه، و ظهور شیخ حسن جوری جانشین شیخ خلیفه گذشته بود و قیام سربداران ظاهر شده بود. (رضایی، ۱۳۷۸؛ پطروشفسکی، ۱۳۵۱؛ افشار آرا، ۱۳۸۰) شیخ حسن جوری اهداف خود را از قیام علیه ظلم و ستم این گونه بیان می‌کند که «با تکیه بر اصول و تعالیم تشیع اثنی‌عشری برای رفع ظلم و ستم از سر مسلمین به پا خواسته و با یاری افراد دیگر قیام کرده است. تعالیم وی بر چهار محور می‌چرخد:

۱- تشیع اثنی‌عشری با تاکید بر مسأله ولایت.

۲- تأکید بر جهانبینی مهدویت.

۳- جدایی ناپذیری دین و دولت از یکدیگر.

۴- مبارزه با ظلم و ستم در همه‌ی جوانب و گسترش عدل و عدالت بین رعایا با توجه به اصول اثنی‌عشری. ایدئولوژی مهدویت تشیع اثنی‌عشری مسأله‌ی سیستم‌ستیزی و عدالت‌گستری را در پی داشت. «(قدیانی، ۱۳۸۴: ۲۱۸) نارضایتی روستاییان زمین‌دار و پیشه‌وران شهری از رسوم و یاسا^۱های مالیاتی مغول که صبر و شکیب را از همه برده بود؛ و نیز رفتار عمال دیوان مالیاتی و مطالبات غیر مشروعش، در کنار بی حرمتی به حریم یک خانواده در باشتین - از قرای سبزوار - مردم آن روستا را برانگیخت. که با قتل ۵ ایلچی مغول، عبدالرزاق، یکی از مالکان و متنفذان باشتین، رهبری نهضت را به عهده گرفت. (پطروشفسکی، ۱۳۵۱ و

۱. یاسا و یاساق: کلمه‌ای هم مغولی و هم ترکی است، به معنی فرمانروایی، حکومت، قانون، تنبیه و کیفر. به یاسا رساندن به معنی کیفر دادن و اعدام است. هاشم رجب زاده، سرگذشت حاکمان مغول ایران زمین تا آمدن هولاگو و فتح بغداد (تلخیص و بازنویسی کتاب جهانگشای نادری اثر علاءالدین عطا ملک جوینی)، تهران: میراثبان، ۱۳۸۶، ص ۲۰.

افشارآرا، ۱۳۸۰) «این قیام که جنبه‌ی مردمی داشت، به زودی عنوان قیام سربداران را به خود گرفت. نام سربداران برگرفته از روحیه‌ی فداکارانه‌ی یاران این جنبش بود که با این لقب، آمادگی خود را برای فدا شدن و سربدار رفتن نشان می‌دادند. امیر عبدالرزاق باشتینی خطاب به مردم گفت: و علی‌الصباح در بیرون ده باشتین، داری نصب کردند و دستارها و طاقیه‌ها بردار کردند و تیر و سنگ بر آن می‌زدند و نام خود را سربدار نهادند... و نیز خطاب به مردم اظهار کرد: فتنه‌ای عظیم در این مقام پدید آمد؛ اگر ما مساهله کنیم، کشته شویم. به مردی، سر خود را بردار دیدن هزار بار بهتر که به نامردی کشته شدن. «(جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۶۹) چون سبزواری و بیهق که از قدیم کانون تمایلات شیعی بود، مرکز و پایگاه نهضت و قیام شد و دولت سربداران با دعوت شیخ خلیفه در همان منطقه رونق گرفت. (پطروشفسکی، ۱۳۵۱ و افشار آرا، ۱۳۸۰) دین‌مداری سربداران نیز چشمگیر است. عناصر حکومتگر دولت سربداران مرکب از دو جناح بود. شیخیان و سربداران که در واقع می‌توان آنها را به جناح مذهبی و رهبران نظامی تعبیر کرد. حکومت سربداران در خراسان، نوعی انقلاب مذهبی و اجتماعی در پی داشت و این روند را تا پایان دوران حیات سلسله سربداری با فراز و نشیب‌هایی ادامه دادند، که نتایج آن سال‌ها بعد از فروپاشی حکومت آنها به بار نشست و حکومت صفویه را همراه با رسمی ساختن مذهب تشیع اثنی‌عشری در سرتاسر ایران به وجود آورد. سربداران یاسایمغولی را کنار نهادند و به تقریب سعی کردند در پیشبرد امور برابر شرع عمل کنند چنان که عوارضی را که مطابق موازین شرع نبود لغو کردند. (قدیانی، ۱۳۸۴) «با رهبری عبدالرزاق، انقلاب سربداری در سبزواری پا گرفت و به یک قدرت واقعی تهدید کننده‌ی دولت‌های سنی مجاور (طغاتی‌موریان و آل کورت) تبدیل شد، و در اکثر بلاد شورش برخاست. مذهب تشیع در اکثر شهرها آشکار شد و در تمام نواحی اطراف، مخالفی باقی نماند. «(افشار آرا، ۱۳۸۰: ۳۰۲) گفتنی است که خواجه علی مؤید سبزواری، که آخرین امیر سربداران است و به سبب بزرگ‌زادگی و دین‌داری در میان مردم نفوذ داشته و به مناسبت اظهار علاقه به مذهب تشیع و سعی در ترویج مناقب ائمه علیهم‌السلام، شهرت یافته است. او که بسیار به ترویج مذهب شیعه می‌کوشید، سرانجام، در جنگی تیرخورد و وفات یافت و سلسله‌ی سربداری با قتل او به پایان رسید. (افشار آرا، ۱۳۸۰)

علل و عوامل تاریخی قیام و نهضت سربداران

همزمان با ظهور چنگیزخان، اقوام ترک و مغول که مابین حدود شرقی ایران و چین و سیبری جنوبی سکونت داشتند، به قبایل مختلفی تقسیم می‌شدند. چنگیزخان مایل به برقراری روابط تجاری و داد و ستد با خوارزمشاه بود و در ۶۱۵ ق، خوارزمشاه به قبول معاهده‌ای با چنگیز تن در داد. طرف مذاکرات خوارزمشاه، محمود نامی از مردم مسلمان ماوراءالنهر، فرستاده‌ی چنگیز بود که معاهده را پذیرفت. از آن پس، جمع کثیری از بازرگانان با مقدار هنگفتی کالاهای گران‌بها، از مغولستان به عزم ماوراءالنهر، از مرز شهر اترار - در کنار سیحون - وارد سلطنت خوارزمشاه می‌شوند. غایرخان، حاکم شهر اترار که از اقوام ترکان خاتون، مادر سلطان محمد خوارزمشاه بود؛ در اموال این بازرگانان طمع ورزیده و به سلطان محمد گزارش می‌کند که این هیئت بازرگانی جاسوسند. در نتیجه هیئت پانصد نفره بازرگانان مغولی دستگیر می‌شوند. با سرباز زدن و سوء تدبیرهای بعدی سلطان محمد، در مقابل درخواست چنگیز مبنی بر آزادی کاروان بازرگانان مغولی و نیز قتل حاکم اترار به عنوان تنبیه، همچنین قتل‌عام بازرگانان، اولین شعله‌های آتش جنگ بین دو کشور روشن شده و امپراتوری خوارزمشاهی عرصه‌ی تاخت و تاز مغولان می‌گردد. خان مغول که از سوءرفتار سلطان خوارزم به خشم آمده و در ۶۱۴ ق / ۱۲۱۷ م، به ایران لشکر می‌کشد. یورش وحشیانه مغول، و فرار سلطان محمد خوارزمشاه، ویرانی این تهاجم را چند برابر می‌کند. تاریخ گواه است که مغولان به هر دیاری که وارد شدند به کشتار نفوس، غارت اموال و ویرانی کامل شهر و آبادی‌ها پرداخته‌اند. به نحوی که در کوتاه مدتی ماوراءالنهر، خراسان و عراق عرصه کشتار و ویرانی مغولان شده است. در چندین سال حضور این قوم وحشی، بخش‌های عظیمی از جهان اسلام، رو به ویرانی و تباهی گزارده است. فتح ایران به دست مغولان پیامدهای مهمی در تاریخ به جای گذاشته است که پایان کار اسماعیلیان و انقراض خلافت عباسیان از آن جمله است. (رشیدالدین فضل الله، ۱۳۸۴)

ایلخانان یا ایلخانیان نام سلسله‌ای از مغول است که از سال ۶۵۴ تا ۷۵۰ هـ ق، معادل ۱۲۵۶ تا ۱۳۳۵ میلادی در ایران حکومت می‌کرده‌اند و از فرزندان چنگیزخان مغول بوده‌اند. (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۷) ایلخانان در ابتدا دین بودایی داشتند اما به تدریج به اسلام گرویدند. ایلخانان مسلمان خود را سلطان نامیده و نام‌های اسلامی برگزیدند. حکومت ایلخانان در ایران، دوره‌ای از افول و انحطاط ایرانیان را به همراه داشته است. زوال اخلاق و معنویات و رواج دکان

ریا و میدان‌دار شدن مدعیان و متشبهان و کارگزاران ناشایست و مال‌اندوز، بر پریشانی اوضاع و نابسامانی‌های اجتماعی هر چه بیشترافزوده بود. در چنین اوضاع نابسامانی که شیرازه‌ی امور از دست سردمدار ایلخانان بیرون بوده است؛ با ضعف و زوال قدرت آنان، سرزمین ایران، شاهد ظهور دوباره ملوک‌الطوایفی در عرصه فرمانروایی از یک سو و نهضت‌های مردمی و انقلابی با ماهیتی ضد دولتی از سوی دیگر بوده است. (افشار آرا، ۱۳۸۰) «به رغم سازگاری مغولان با شرایط ایران در طی هشتاد سال، هیچگاه کینه‌ی آنان از دل ایرانیان بیرون نرفت. هر بار که امیری از مغولان در منطقه‌ای سر به ستمگری می‌گذاشت، کینه‌های درونی ایرانیان، به ویژه خراسانیان که سخت از حملات آسیب دیده بودند، زنده می‌شد و زمینه‌ی قیامی را بر ضد مغولان فراهم می‌کرد.» (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱۶۸) نهضت سربداران، برگه‌ی از تاریخ و زندگی مردم به تنگ آمده از آن اوضاع می‌باشد. شایان ذکر است که سربداران از سال‌های ۷۳۷ و ۷۳۸ ق، تا ۷۸۸ ق با قیام مردم سبزوار و خراسان علیه خان‌های مغول و ملاکین بزرگ ریشه دوانده است و از جمله معروفترین نهضت‌هایی از لحاظ حرکت تاریخی و وسعت و گسترش است. (راوندی، ۱۳۶۷؛ قدیانی، ۱۳۸۴)

منطقه‌ی جغرافیایی قیام و نهضت سربداران

در قرن چهاردهم میلادی خروج سربداران خراسان از لحاظ وسعت بزرگ‌ترین و از نظر تاریخی مهم‌ترین نهضت آزادی‌بخش خاورمیانه بود و بلاتردید تأثیر حتمی در جنبش‌های دیگر داشته است از جمله: نهضت مازندران، گیلان، سمرقند و ناحیه رود زرافشان. (روزنامه جام جم، ۱۳۹۰) یکی از بیشترین مظاهر روحیه شیعه‌گرایی و شیعه پروری مردمان سبزوار و خصوصاً یکی از نقاط اوج روحیه وفاداری آنان به رهبران دینی تشیع را می‌توان در جریان وقوع نهضت ملی - مذهبی سربداران در قرن هشتم هجری مشاهده کرد. همان روحیه‌ای که موجب شد شیخ خلیفه مازندرانی اولین رهبر معنوی سربداران که از روحانی و نوعالمان برجسته تشیع آن زمان بود، منطقه مازندران را که خود یکی از مراکز اصلی تشیع ایران محسوب می‌شد ترک نموده و فرسنگ‌ها راه را بپیماید تا به دارالمؤمنین سبزوار برسد و در میان مردم حق جوی این شهر مأوایی امن و مناسب برای تدریس و ارائه اندیشه‌های روشن گرانه‌اش بیابد. با نگاهی به تاریخ نهضت تشیع در ایران، به این دریافت می‌رسیم که بخش بزرگی از رهبران و اندیشمندان

شیعیان دوازده امامی، به ویژه در قرن‌های پنجم و ششم و هفتم هجری، سرشناسانی چون شیخ ابوجعفر محمد بن ابی القاسم آملی، شیخ طبرسی (طبرستانی) معروف به «امین‌الدین» یا «امین‌الاسلام»، ابونصر طبرسی، ابومنصور طبرسی، فضل بن حسن طبرسی، ابن شهر آشوب و ... از طبرستان (مازندران کنونی) برخواسته‌اند. منطقه مازندران محیطی بوده برای تجمع شیعیان و گسترش اندیشه‌هایی که علویان را به عنوان رهبران جامعه اسلامی در جایگاه ویژه‌ای قرار می‌داد. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲)

اهمیت قیام سربداران

اهمیت نهضت سربداران را از چند جهت می‌توان تبیین کرد:

الف) اینان پس از برافتادن دولت شیعی مذهب بُویّهی به توسط سلجوقیان سنی مذهب، نخستین گروه شیعی بودند که به قیام دست یازیدند و تشکیل حکومت دادند و به مدت ۵۰ سال بر خراسان و نواحی آن حکومت کردند. (روزنامه جام جم، ۱۳۹۰)

ب) بارزترین خصیصه‌ی نهضت سربداران مردمی بودن آن است. به تقریب در درازنای تاریخ کهن ایران، حکومت‌ها در بیشتر مواقع بر پایه قدرت ایلی و عشیره‌ای شکل گرفته‌اند. جنبش‌های مردمی نیز در تاریخ ایران اندک شمارند. اما قیام سربداران جنبشی کاملاً مردمی بود که بدون یاری جستن از حمایت‌های قبیله‌ای شکل گرفت و توانست به حکومت نیز دست یابد. در واقع چون دولت سربداران در قالب یک انقلاب مردمی بود، نوعی حالت نهضتی و انقلابی به خود گرفت و تا آخر همان ویژگی را حفظ کرد. در این نهضت به خصوص مشارکت کشاورزان، تهیدستان شهری، اصناف و صاحبان حرف و گاه نیز بردگان فراری، بسیار دارای اهمیت است. (قدیانی، ۱۳۸۴)

ج) ادامه حیات سلسله‌های حاکم در ایران همواره بر پایه انتقال موروثی قدرت استوار بود. اما حکومت سربداران هیچگاه این ویژگی را به خویش ندید و انتصاب حاکم به گونه‌ای انتخاب از سوی مردم انجام می‌شد. شاید بتوان گفت نوعی دموکراسی مردمی در میان سربداران حاکم بود. نبودن توارث در امر جانشینی، تا پایان ادامه داشت، که در میان سلسله‌های شاهی و امیری آن روزگار، مسأله‌ای نو و ابتکاری جدید بود.

د) نوع اداره‌ی حکومت سربداران بر پایه‌ی سه قدرت، امیر، سپهسالار و تحصیل‌دار مالیاتی اداره می‌شد و چندان گسترده نبود. حتی از مسایلی نظیر کاخ سازی که از مظاهر حکومت تثبیت شده‌ی شاهی بود، در این دوره اثری وجود ندارد. و بسیاری از امیران سربداری زندگی ساده و صوفیانه‌ای داشتند. (جعفریان، ۱۳۸۶)

ه) دلایل سیاسی - اجتماعی بودن این نهضت را می‌توان نارسایی‌های اجتماعی، ظلم دستگاه حاکمه و فساد دربار دانست. اما دلایل مذهبی که بدان رنگ مذهبی - سیاسی می‌دهد، در مرحله‌ی اول رجعت به قوانین صدر اسلام و قیام علیه مذهب دولتی و در مرحله دوم مبارزه بر ضد قوانین تحمیل شده‌ی دولتی مانند یاسا بود. (قدیانی، ۱۳۸۴)

ابعاد اجتماعی نهضت سربداران در جامعه‌ی ایران

تأثیر نهضت سربداران بر جامعه‌ی ایران تا اندازه‌ای چشمگیر بود. افکار سربداری در نواحی ساحلی دریای مازندران، گیلان و مازندران، رواج فراوان یافت. حکومت شیعی مرعشیان مازندران در واقع تقلیدی بود از حکومت سربداران خراسان. در واقع، روشن‌ترین تأثیر قیام سربداران در تاریخ ایران، تأثیر آنان در همین جنبش و حکومت مرعشیان مازندران است. وجه مشترک مازندران با سبزوار در آن بود که مردم هر دو منطقه، طی قرن‌ها، به مذهب تشیع پای‌بند بودند. حکومت سادات کیایی گیلان نیز در واقع با الهام از سربداران خراسان موجودیت یافت. در سال ۷۶۶ و ۷۶۷، مردم شهر سمرقند، به رهبری مولانازاده‌ی سمرقندی که از عالمان دین بود، بر ضد مغولان قیام کردند. علاوه بر اینها، نهضت سربداران در کرمان نیز منعکس شد. پهلوان اسد خراسانی، که مردی دیندار و پرهیزگار بود، در رأس نهضت سربداران کرمان قرار گرفت و به مبارزه با حاکمان مظفری پرداخت، هرچند که سرانجام مقاومت دلیرانه کرمانیان شکسته شد و پهلوان اسد سر به دار داد. در فرارود نیز گروه‌هایی با آمال سربداران خراسان تحرکاتی نمودند اما حرکتشان با موفقیت همراه نشد. به عنوان یک نتیجه می‌توان گفت تمام نهضت‌هایی که در سده هشتم هجری در ایران وقوع یافت، از لحاظ ترکیب اجتماعی و معتقدات و تمایلات، به نهضت سربداران خراسان نزدیک و تا اندازه‌ای انعکاس جنبش مزبور بود. (جعفریان، ۱۳۸۶)

تأثیری که سربداران بر شهرهای دیگر گذاشتند فقط منوط به ابعاد اجتماعی نبود بلکه آنان بر ابعاد فرهنگی و هنری این مرز و بوم نیز تأثیر گذاشته و توانستند با استفاده از هنرهای نمادینی که به کار می‌بردند به بسیاری از اهداف خود برسند و آن را در دوران‌های دیگر جاویدان گردانند. قبل از پرداختن به آیین اسب چوبی که در دوره‌ی سربداران اوج می‌گیرد، نیاز است که به خاستگاه آیین‌ها و نمادها اشاره گردد.

خاستگاه آیین‌های سنتی - مذهبی

در هر جامعه‌ای خاطرات جنگ‌ها و پهلوانی‌ها نسل به نسل و سینه به سینه می‌گردند و گاهی به صورت‌هایی حماسی و غلوآمیز - مانند داستان ایرانی رستم و سهراب - درمی‌آیند. اگرچه خاطرات نهضت‌های اجتماعی در میان هاله‌هایی از ابهام و خیال فرو می‌روند؛ ولی همواره حوادث اجتماعی نیز مانند تحولات طبیعی، زاینده‌ی آیین‌ها و افسانه‌هایی شده و به صورت نمایش و شبه نمایش در مراسم‌های ملی و مذهبی به اجرا درمی‌آیند. اگرچه برجسته‌ترین آیین‌ها و نمایش‌ها دارای ریشه‌های اعتقادی - مذهبی بوده‌اند، اما به مرور جنبه‌ی فرا مذهبی یافته و از سوی اقوام مختلف و با دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌های متفاوت مورد استقبال قرار گرفته است؛ تا جایی که در گذر قرن‌ها منشأ و خاستگاه اصلی آیینی - مذهبی آنها در بوته‌ی فراموشی قرار گرفته و همه‌ی اقوام و طوایف این‌گونه آیین‌ها را جزء سنت‌های پیشینیان خویش تلقی نموده و به عنوان خاطره و هویتی هم ذات، بر اجرای آنها پای فشرده‌اند. با تکامل جوامع و کشف و برملا شدن بسیاری از رمزها و رازها و اسرار ناشناخته، آیین‌های مربوط به آنها نیز با تغییر در برخی مبانی خود به حیات خود ادامه دادند. (نصری اشرفی، ۱۳۸۳، ج ۱)

گفتنی است که «آیین‌ها را به دو گروه آیین‌های مربوط به سوگ و آیین‌های مربوط به جشن و سرور و اعیاد تقسیم کرده‌اند. برخی از آیین‌ها جنبه‌های ملی و حتی فراملی یافت و تعدادی دیگر تجلی‌گاه اعیاد و یا جشن‌های کشاورزی و دیگر مراسم گردید.» (همان: ۳۱۹)

نماد و نمادین

نماد (که مظهر و سمبل هم نامیده شده) نشانه‌ای است که نشانگر یک اندیشه، شیء، مفهوم، چگونگی و جز اینها می‌تواند باشد. نماد می‌تواند یک شیء مادی باشد که شکلش بطور

طبیعی یا بر پایه‌ی قرارداد با چیزی که به آن اشاره می‌کند پیوند داشته باشد. (بهمنی، ۱۳۸۹) می‌تواند نشانگر هدف و مقصودی باشد که فردی آن را به کار می‌برد. آنچه انسان‌ها را از سایر حیوانات متمایز می‌سازد، قابلیت عظیم انسان‌ها در ساختن و کاربرد نمادهاست. انسان‌ها می‌توانند در مورد تصورات انتزاعی بیندیشند و از میان چند عمل پس از بررسی دست به انتخاب و اقدام بزنند. (کریمی، ۱۳۸۲) انسان‌ها در فرایندهای اجتماعی به صورت نمادین معنایی را به یکدیگر انتقال می‌دهند و دیگران این نمادهای معنی دار را تفسیر می‌کنند و بر پایه‌ی تفسیرشان از این نمادها واکنش نشان می‌دهند. (ریتز، ۱۳۸۰) بنابراین انسان‌ها از طریق این نمادها با یکدیگر در ارتباطند. نمادها رابطه‌ی انتزاعی با واقعیت دارد. نماد چیزی است که معنی چیز دیگر را بیان می‌کند و به عبارت دیگر بجای واقعیت می‌نشیند و بر آن دلالت می‌کند. علامت‌ها، حرکات، قواعد مشترک و از همه مهم‌تر زبان مکتوب یا شفاهی مثال‌هایی از نماد است. (رابرتسون، ۱۳۷۷)

« انسان‌ها همواره در چارچوب نمادها عمل می‌کنند؛ نمادهایی که بنابر تعریف، مظاهر و نشانه‌های عینی هستند که منعکس کننده‌ی احساس‌ها و شیوه‌های رفتار آدمی هستند. به عبارت دیگر، بشر برای نشان دادن خواسته‌های درونی خویش از نمادها استفاده می‌کند. مشت گره گرده، نشانه و نماد قیام و مقاومت و پرچم نماد هویت یک ملت است. شکل‌گیری نمادها می‌تواند به صورت آگاهانه و یا ناآگاهانه باشد. بدین صورتی که فردی آن را با هدف خاصی به کار می‌برد و یا اینکه ناآگاهانه با توجه به شهود دل آن را تولید می‌کند. به طور کلی منشأ نمادها دو نوع است: نمادها روابطی کاملاً قراردادی هستند و یا این که روابطی نهادینه شده‌اند که در طول زمان، پذیرش عام پیدا کرده‌اند. نمادها را می‌توان در قالب کوچک، اشاره‌ای، تصویری، کنایه‌ای، حرکتی و کلامی ارائه کرد. در حقیقت، ارزش نماد به خاطر همین کارکرد آن است. » (بهمنی، ۱۳۸۹: ۱۸)

نمادین را اینگونه تعریف کرده‌اند: فرآیند تعامل بین انسان‌ها با استفاده از نمادها (مانند زبان و علامت). (بیرو، ۱۳۸۰) در نظریه‌ی تعامل نمادین که به وسیله‌ی مید مطرح شده است به دو عامل جهان فیزیکی (واقعی) و جهان نمادی (تفسیری) توجه کرده است. در جهان نمادی، افراد در ارتباط با دیگران به ویژه در ارتباط با محیط، روی اینکه مردم چطور معناها و ارزش‌ها را برای جهانی که در آن زندگی می‌کنند تاکید دارد. افراد از این نظر بازیگر هستند که

به طور فعال در تفسیر و خلق نمادها (به عنوان راهی برای ساختن معناها و مفهوما) و گفتگو درباره زندگی روزمره آنها و جهانی که در آن زندگی می‌کنند، درگیر می‌شوند. این دیدگاه بیان می‌دارد که مردم معنای نمادین را به اشیاء و رفتارهای خودشان و دیگران مرتبط می‌کنند و این معانی را در ارتباط با یکدیگر منتقل می‌کنند و بر مبنای معانی که این اشیاء دارند رفتار می‌کنند. (سلگی، ۱۳۸۹)

اسب نمادی از نجابت و زیبایی

اسب از ریشه "اس" به معنی دونده و تیزتک است. زیرا اسب تیزتک ترین جانور اهلی است. ریشه واژه سواری هم در واژه اسب است و در اصل اسب باری بوده که بر اثر تحولات زبان شناختی به مرور زمان به صورت سواری درآمد است. اسب که آن را نمادی از نجابت و زیبایی ذکر نموده‌اند؛ یکی از پرنقش‌ترین و اصیل‌ترین حیوانات اهلی در دنیای اساطیر ایران باستان به شمار می‌آید. (صالح پور، ۱۳۸۵) حضور اسب در فرهنگ و تاریخ کهن ایران در جلوه‌های گوناگونی متجلی است. آن گونه که بیشتر کتیبه‌ها، سنگ نبشته‌ها، الواح سیمین و زرین دوره هخامنشی گواه اهمیت و توجه خاص به این حیوان زیبای اساطیری است و در کتیبه‌های گلی دوره داریوش نیز نام اسب‌های عالی کشور ایران عنوان شده است. (شریفی؛ ضرغام، ۱۳۹۲) اسب همچنین در فرهنگ اسلامی نیز مقام و جایگاه ویژه‌ای دارد. این توجه و اهمیت به اسب، به دامنه موسیقایی اقوام مختلف ایرانی نیز نفوذ کرده است و از آنجایی که اسب و سواری در زندگی و فرهنگ مردمان نواحی مختلف ایران اهمیت و کارکرد ویژه داشته و این حیوان همواره در جنگ‌ها و سور و سوگ‌ها بهترین همراه و همدم مردمان بوده است، بخشی از مقام‌های مهم در موسیقی برخی از اقوام ایرانی به جلوه‌های حضور و نقش زیباشناسانه اسب اختصاص یافته است. و این نشانه‌ای از پاکی، اصالت و اهمیتی است که در فرهنگ ایرانی برای این حیوان قائل بوده‌اند. (صالح پور، ۱۳۸۵)

انسان‌ها از طریق این نمادها و تعامل نمادین می‌توانند آموزش‌هایی نیز به دیگران بدهند و به صورت آیین و رسوم آن را به نسل‌های بعدی منتقل کنند. «مطالعه در فرهنگ اقوام و آیین‌ها و نمایش‌های آنها آشکار می‌کند که با گذشت زمان آیین‌ها، آوازاها و مراسم نمایشی به

مضامین و منظوره‌های متفاوت و مشخصی تفکیک و تجزیه شدند. « (نصری اشرفی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۱۸) آیین اسب چوبی نیز نمونه‌ای از این نمادهاست.

آیین اسب چوبی

سبزوار در آیین‌هایی که حدود سه تا چهار هزار سال قبل در این شهرستان اجرا می‌شده دارای نمادهای برجسته‌ای است که آیین اسب چوبی از آن جمله است. اسب چوبی یکی از آیین‌های سنتی مرسوم در سبزوار با قدمتی بیش از هزار ساله است که اواخر سال ۱۳۸۸ به عنوان اولین اثر در ردیف میراث معنوی خراسان رضوی به ثبت رسید. «منشاء این نمایش اگر چه در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. مسلم است که در اصل جنبه‌ی آیینی داشته و به مرور پیرایه‌هایی بر آن افزوده شد و فرم‌های متنوعی از آن استخراج شده است. شخصیت‌ها در این نمایش نمادین هستند و دارای جنبه‌های قوی حماسی و اسطوره‌ای» (درویشی، ۱۳۸۰: ۱۵۸) لذا آیین‌ها و رقص‌های سنتی که همراه با آواهای محلی در نقاط مختلف کشور از جمله سبزوار اجرا می‌شود ریشه در تاریخ هر دیار دارد. در هریک از حرکات و ابزارهای به کار رفته در این آیین‌ها و رقص‌ها معانی و مفاهیمی نهفته که گویای سر منشأ شکل‌گیری آن و ضرورت‌های زمانی است که این رقص‌ها و آیین‌ها را پدید آورده‌اند. بنابراین رقص‌های محلی که در آیین‌هایی مانند اسب چوبی سبزوار اجرا می‌شوند حرکاتی بی‌معنا و از سر لهو و لعب، آن‌گونه که برخی می‌پندارند نیست؛ بلکه نشان از غنای فرهنگی دارند که سبزوار با پیشینه‌ی قوی فرهنگی خود از این قاعده مستثنی نیست.

کارشناسان و باستان شناسان سبزوار اوج‌گیری آیین اسب چوبی سبزوار را مربوط به زمان مغولان می‌دانند. چرا که در زمان حکومت مغولان، با وجود اختناق حاکم بر جامعه، اجازه‌ی آموزش‌های رزمی و تمرین منش‌های پهلوانی به جوانان داده نمی‌شد تنها راه این آموزش از طریق رقص‌ها بود. از طرفی به دلیل آنکه مغولان به حدی از گستاخی رسیده بودند که به صورت گروهی یا تک نفره به مراسم و جشن‌های عروسی حمله کرده و با کشتن داماد، عروس را می‌زدیدند، مردم سبزوار برای آمادگی در مقابل چنین تجاوزاتی با برگزاری مراسمی همچون اسب چوبی، جنگیدن و نحوه مقابله با دشمن را تمرین می‌کردند. البته شایان ذکر است که دزدیدن عروس‌های سایر اقوام، بعنوان روشی در همسر گزینی، در سرزمین مغولان

شایع بوده است در حالی که در سرزمین متمدن ایران این رسم منفور بوده و هست. از این‌رو، اجرای آیین اسب چوبی در مراسم جشن و عروسی، علاوه بر وجه بزم و نمایش بودن، رزمی برای آمادگی دفاعی و تجهیز افراد برای مقابله با حملات احتمالی مغولان بوده است.

در این نوع مراسم اسب چوبی نمادی از یک تک سوار است که اگر تک سوار دوست باشد از آن استقبال می‌شود و اگر دشمن باشد توسط مردم از بین می‌رود. اسب چوبی نمادی از شخصیت منفور در پوشش حکومت مغول هم دانسته شده که همیشه در پایان مغلوب و مردم این نابودی را جشن می‌گرفتند. (پایگاه خبری - تحلیلی سبزوار پیام، ۱۳۹۱) در سایر سرزمین‌ها و دیگر مناطق کره‌ی زمین نیز چنین مراسم‌هایی برپا می‌شود. «در مراسم مختلف شمنی، میان اقوام زرد پوست و سرخ پوست و مراسم متفاوت زار در میان آفریقاییان و ساحل‌نشینان دریای عمان و خلیج فارس پیوسته یک نکته مد نظر قرار دارد که دفع نیروهای شر و جلب نظر نیروهای خیر اساس آن را تشکیل می‌دهد. در همین ارتباط عناصر متعدد و متفاوتی در باور افراد شکل گرفته و خلق می‌شوند. عناصری که به دو گروه مشخص قابل تفکیکند. یک دسته از این نیروها در هیئت فرشته‌های مهربانی، رحمت و برکت تجلی می‌یابند و گروهی دیگر به صورت اهریمنان شومی که مرگ و نابودی مردان و زنان قبیله تنها هدف و انگیزه‌ی آنهاست. نیروهای دادگر و خیر در مبارزه‌ی خود علیه خدایان بیدادگر و شرور، به حمد و ثناء، ستایش و حمایت افراد قبیله نیازمندند. این حمایت از طریق آوازاها، رقص‌ها، و بازی‌ها و حرکات نمایشی و آیین‌های ویژه به عمل می‌آید.» (نصری اشرفی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۱۵) این نمایش در سطح استان خراسان راویان متعدد و مختلفی دارد اما مبداء این آیین زیبا، سبزوار است ولی در شهرهای اطراف مثل بردسکن، نیشابور، بیارجمند و حتی ترکمنستان و تاجیکستان هم این مراسم اجرا می‌شود. اصل قصه در تمام گونه‌ها و روایات یکی است اما حسب محیط و باورهای مناطق مختلف استان در اجرا و نوع آهنگ و حرکات دستخوش تغییر شده است. این مراسم نه تنها آموزش رزم برای مقابله با دزدیده شدن عروس‌ها بوده بلکه به‌طور کلی، آموزش اصول رزمی بوده تا از این طریق مردم شهرها بتوانند از خاک و سرزمین خود دفاع کنند.

اجزا و نحوه ساخت اسب چوبی

محمدرضا درویش (۱۳۸۰) در کتاب "از میان سرودها و سکوت‌ها" درباره اسب‌چوبی می‌نویسد. «وجه مشترک تمام این اجراها، حضور نوازندگان سرنا و دهل، رقصنده و یاچوب باز،

شمشیر به دست داخل اسب چوبی می‌باشد. اسب چوبی که با پارچه‌های الوان و رنگین پوشیده و تزیین شده است. در برخی از اجراها یک غلام سیاه با ظاهر و حرکاتی مضحک حضور دارد و در برخی دیگر تعدادی رقصنده یا چوب باز، گرداگرد اسب چوبی با او چوب‌بازی می‌کنند» (درویشی، ۱۳۸۰: ۷۸) اسب چوبی از دو مستطیل و دو دایره که محیط بر مستطیل است، یک دایره که در اصطلاح محلی به آن 'قلبر' گفته می‌شود و بازیگر در آن قرار می‌گیرد و نیز دو بند که به اسب وصل شده و آن را بر شانه‌ی بازیگر قرار می‌دهد، تشکیل شده است. در اطراف فضای مستطیل پارچه‌ای قرار دارد که تا روی پای بازیگر کشیده شده و مانع از دیدن پای او می‌شود، گردن اسب به بدن آن وصل می‌شود، سر اسب معمولاً از پارچه و دیگر اجزای آن چوبی است و بازیگر در میان قلبر قرار می‌گیرد و با حرکات پا و فریاد همراه با سازها و آواهای محلی نقش آفرینی می‌کند. حرکات دست، پا، شور گرفتن و ضربات چوب بازی بازیگر دقیقاً حرکات حالت یک شمشیر زن یا حرکاتی مانند زمان درو گندم و شکرگزاری خداوند است. همچنین برای ایجاد توازن در حرکت اسب چوبی از سازه‌های کوبه‌ای مانند سرنا و ساز هم استفاده می‌شود. در دایره المعارف بزرگ سبزواری نوشته‌ی محمود بیهقی چنین آورده شده است: «اسب چوبی عبارت از چوب‌هایی که به شکل کره اسبی درست می‌کنند و دست‌های آن پای اجرا کننده می‌باشد و دو پا هم بعد از آن بر روی آن پارچه‌های مخملی رنگارنگ و مجری هم لباسی در همان زمینه به تن دارد و سر را پوشانده (البته در زمان قدیم صورت را هم آرایش می‌کردند) او با شمشیری در دست دارد همچون جنگاوری که با اسب به دشمن حمله کند - زیرا که معتقدند نمادی از مغول می‌باشد که سربداران با چوب و... با او می‌جنگند ... - با نواختن دهل و سورنا "سوننای به گوش" به جولان می‌افتاد و دیگران هم با دست زدن هلهله کنار مجلس را رونق می‌بخشند.» (بیهقی، ۱۳۸۶)

در نمایش اسب‌چوبی، حماسه‌ی سربداران باشتین به‌گونه‌ای دیگر مطرح گردیده است. مردمانی با لباس‌های معمولی روستائی ساده و بی‌آرایش دستار سفید بر سر بسته که حرکت سیاسی و مذهبی آنان را به رهبری روحانی مجاهد مبارز می‌رساند. شال‌های سبزی که بر کمر بسته و نشان از سادات پاک شیعه بوده است. آنان چوب‌هایی بر دست دارند که در آن زمان، تنها سلاح روستائیان و حتی مردم شهرها محسوب می‌شد و با همین چوب‌ها با سواره نظام قوم مغول به مبارزه می‌پرداختند. در این نمایش از دهل به عنوان کوبه‌ای خبری - رزمی و

شورآفرین و از سرنا به عنوان بیان‌کننده‌ی سوز دل مردمی سلحشور و آزاده که در خلال جشن‌ها، سوگواری‌ها و.... حرف‌های خود را به گوش دیگر یاران می‌رساندند استفاده شده است. (کارگری، ۱۳۶۹)

به نظر می‌رسد که اسب چوبی بزرگترین نماد همبستگی و پیوند در سبزوار است و منظور از سبزوار در اینجا، نه تنها سبزوار جغرافیایی کنونی بلکه اقلیم فرهنگی سبزوار است که براساس گسترش فرهنگ سربداران از منطقه شمال ایران تا مناطق شرقی، جنوبی و قسمت‌هایی از کشور روسیه سابق را شامل می‌شود و اوج‌گیری گسترش فرهنگی سبزوار در دوران سربداران است. آیین اسب چوبی هنوز هم در مناطقی از سبزوار از جمله در مراسم جشن و سرور، عروسی‌ها، ایام عید نوروز و همچنین در یکی از بزرگترین نمایش‌های آیینی، میدانی با عنوان 'غم بار شادی بیا' در آخرین چهارشنبه سال در برخی روستاها از جمله روستای طبس اجرا می‌شود. آیین 'اسب چوبی' تا کنون توسط هنرمندان شهرستان سبزوار در جشنواره‌های منطقه‌ای، کشوری، جشنواره فیلم فجر و حتی در کشورهای آلمان و روسیه به اجرا در آمده که افتخاری برای این شهرستان است. (پایگاه خبری-تحلیلی سبزوار پیام، ۱۳۹۱)

تأثیر و وجه نمایشی اسب چوبی

حکایت اجرای نمایش و به کار گرفتن هنر برای عنوان کردن خاطره‌ی رشادت‌ها و دلیرمردی‌ها و گفتن دردها و مشکلات و معضلات جامعه مصداق ضرب‌المثل "شنیدن کی بود مانند دیدن" است. چرا که توانایی‌ها و درک بشر از راه قوه‌ی بصری لذت‌بخش و نتیجه‌بخش‌تر از سایر کارهای هنری است. «در نمایشی که تماشاگران، خود را با بازیگران در مکانی واحد روبرو می‌بینند، و بازیگران که شخصاً حضور دارند، می‌توانند در قبال واکنش‌هایی که بر انگیزخته‌اند، واکنش کنند؛ جامعه‌ای که جماعتی انسانی به خود معرفتی خارق‌العاده، می‌یابند. نه فقط بدین سبب که بازیگران، آینه‌داران شیوه‌ی زندگی و چون و چراکردن‌های آن جامعه‌اند، بلکه از این‌رو که تماشاگران واکنش‌ها و قبول یا رد و موافقت یا انکار خویش را در قبال تصویری که از وی به وی می‌نمایانند، ابراز می‌دارد. بدین جهت نمایش‌های مختلف نقشی بس عمده در فهم و ادراک تصویر سرزمینی و جامعه‌ای و فرهنگش و هویت و خصوصیتش دارد، شاید بیش از هر نقد حال دیگر آن جامعه.» (ستاری، ۱۳۷۴: ۹)

با توجه به اینکه نوشتن و ساختن و بازی کردن نمایش، سختی‌ها و مشکلات خودش را دارد، از انتخاب بازیگر و آماده کردن متن و آهنگ و نوا و اشعار نمایشی تا یافتن و آماده کردن محلی به عنوان صحنه برای اجرای نمایش و...؛ نقش بازیگر، ساختاری متشکل از نشانه‌های بس گوناگون است: نشانه‌های گفتار و اطوار و حرکات و سکنت و رفت و آمدها و طرز رفتار و کردار و اشارات صورت و جامه‌اش و غیره. به علاوه، بازیگر برای بیان بعضی از نشانه‌ها، از اشیائی چون جامه، موی چسبانده شده، کلاه گیس استفاده می‌کند؛ همچنان که از اطوار و حرکاتش و صدا و چشمانش و غیره، سود می‌جوید. با توجه به تمامی این سختی‌ها، باز قالب نمایش و شبه نمایشی بهترین شیوه برای بیان بسیاری از مطالب است. کما اینکه، مشکلات روز و آسیب‌های جامعه را در قالب درام و هنر است که می‌توان به خوبی نشان داد. چرا که لذتی که در دیدن یک تئاتر و نمایش است در خواندن یک مقاله و کتاب و... نیست. به علاوه اینکه کتب و مقاله را فقط طیف خاصی از افراد جامعه می‌توانند بخوانند؛ ولی نمایش و هنر را ذات و فطرت آحاد بشری خواهان و خواستارند. چون آدمی وقتی از در نمایش وارد می‌شود، هنر گنجینه‌پهزار رنگ می‌شود، با طرح و رنگ و صدا و نور و شعر و حرکات نمایشی و ...، که کاری قوی و قابل فهم برای همه‌ی افراد خواهد شد که قادر است توجه هر گروه و سن و سلیقه‌ای را جلب نماید.

لذا به یادگار گذاردن و بیان و نگارش تاریخ، اگر راهی بهتر از نمایش و نشان دادن داشت، بدون شک، تعزیه و تعزیه‌خوانی هرگز رشد نمی‌کرد و نهضت عاشورا در قالبی سوای هنر عرضه می‌شد. از این‌رو، ادبیات نمایشی که ریشه در تاریخ و فرهنگ و هنر این مرز و بوم دارد؛ این بارتوانسته است در کنار دیگر آثار فاخر هنری ذهن و زبان بیننده را با نمایش اسب چوبی تسخیر کند و با جلوه‌های گوناگونی که دارد تأثیر قابل توجهی بر بیننده بگذارد. چرا که «نمایش یکی از نخستین فعالیت‌های انسانی و از جمله پایدارترین و شاید هم برترین آنهاست؛ و حقیقتی‌ترین و ثمربخش‌ترین قدرت خلاقه‌ی انسانی از طریق نمایش به منصه‌ی ظهور می‌رسد. نمایش‌های سنتی تنها زبان و بیان یک قوم و یک ملت نیست، بلکه حقیقی‌ترین و زنده‌ترین گواهی تمدن است؛ و در جهان، تنها داد و ستد آزاد، یعنی داد و ستد احساسات و اندیشه‌هاست.» (همان: ۲۵)

اسب چوبی که کارکردی حماسی و دفاعی دارد؛ نمادی از ستم ستیزی و نبرد با دشمنان است. در نمایش اسب چوبی گاه دو سوار یا پیادگانی چوب در دست، با سواره به چوب

بازی می‌پردازند که صحنه، ترسیمی از صحنه‌ی رزم است. نمایش اسب چوبی با استفاده از موسیقی فولکلور به شکل موزیکال و معمولاً به همراه دهل و سرنا اجرا شده و آوای دهل و سرنا ضرباهنگ جنگ و رزم را به یاد می‌آورد. (حسین‌پور، قدیمی، ۱۳۹۰) به جرأت می‌توان گفت خاستگاه نمایش‌هایی همچون اسب چوبی، نه در اردوگاه‌ها و صحنه‌های تئاتر، بلکه برخاسته از حمیت و دلیری و غیرت مردمانی است که در اعصار و قرون کوشیدند تا فرزندان جنگجو و سلحشور برای دفاع از استقلال و ناموس و شرف‌شان - به معنی تمام کلمه وطن‌شان - تربیت کنند. چنین نمایش‌هایی مخصوصاً در دوران تجاوز و تعرض مغولان، موجب شد که مردم به خود آیند و همه‌ی چیزهایی را که بر اثر مقتضیات جدید حیاتشان ویران گشته و لطمه خورده بود؛ مجدداً حیات بخشند و پایداری و دوام حیات و پیوستگی آنرا بازیابند. بدین‌گونه نمایش‌های سنتی روایانده‌ی آرزوها و خاطرات است و حساسیتی را که ممکن است به تحلیل رفته و یا نابود شود، را از نو زنده می‌کند. نمایش‌های زنده فقط وسیله‌ی شنیدن چیزی و یا وقت‌گذرانی نیست، بلکه فرصت و مجال مغتنم برای آماده ساختن و زیستن حیات خویش به تمامی و کمال است. «نمایش اسب چوبی نتیجه‌ی عینی و معمولی با استفاده از بازی‌ها، آداب و رسوم، ورزش‌های بومی، سازها و نوع به کارگیری آنها در قالب یک نمایش پرتحرک و بدون کلام و در عین حال گویاست. اجرای این نمایش، هشدار است به تمامی آنانی که اهدافی پلید را علیه این مرز و بوم و مردم آزاده و مسلمان کشور ایران در سر می‌پروراند و سرنوشت متجاوزین به این آب و خاک به جز ذلت، خواری و بدبختی و نیستی نخواهد بود.» (کارگری، ۱۳۶۹: ۲۷۱)

نتیجه‌گیری

اگرچه بسیاری از سبزواری‌ها، خاستگاه آیین نمادین اسب چوبی را مربوط به دوره‌ی مغولان و نهضت سربداران می‌دانند؛ و بر این باورند که اسب چوبی به پاس جان‌فشانی‌های سردمداران نهضت سربداران همچنان پابرجا و جاویدان است و در مراسم‌های مختلفی نظیر اعیاد و جشن‌های ملی و مذهبی به اجرا در می‌آید؛ نباید فراموش کرد که هدف اصلی و اساسی برای به نمایش درآوردن اسب چوبی، آموزش رزم در بزم بوده است، چه پیشینه‌ی این نمایش نمادین به قرن هفتم هجری بازگردد و چه تاریخی هزار ساله پشتوانه‌اش باشد، نماد و نشانگر

رزم و دفاع است و ریشه در تمرین رزم و حماسه و میهن دوستی دارد. کلاس درس جنگاوری، برای دختران و پسرانی است که بایستی صحنه‌ی رزم را نادیده، رسم شمشیر زنی و اسب دوانی و سلحشوری بیاموزند. چرا که نمایش اسب‌چوبی، بیشتر هنرنمایی و چوب بازی و تکنیک حمله و دفاع است تا صحبت و داستان سرایی.

اسب چوبی، میراث هنری، گران‌بهایی از گذشتگان سلحشوری است که به دیگران ایثار و فداکاری و آزادگی را آموزش می‌دهد. یادگاری که آن را می‌توان از قدیمی‌ترین هنرهای مردمی و مذهبی و رزمی دانست که با وجه نمایشی و زنده، نگهبانان سنت‌ها و فرهنگ‌هایی است که خطر سیلاب مبتذلات آن را تهدید می‌کند. چنین نمایش‌های آیینی، بیش از پیش در تاریخ بشریت، برای دوام غنا و تنوع فرهنگ انسانی، امری اساسی است. نمایش اسب چوبی نه تنها نمایشی برای تفریح است و نوعی هنر به شمار می‌آید بلکه پیوند تنگاتنگی بین هنر و مردم وجود دارد. آنچنان که گویی تار و پودشان را به هم تنیده‌اند. از این‌رو به نظر می‌رسد اجرای شبه نمایشی چون اسب چوبی، بهترین راه برای اشاعه‌ی فکر و فرهنگ سربداران بوده است، چنان که یاد و خاطره‌ی نبردها و دلیری‌های بزرگ‌مردانی از جنس کوه را منصفی ظهور گذارده است. به جرأت می‌توان گفت که اگر راهی گیراتر و بهتر از اسب چوبی بود بدون شک تاریخ آن مسیر را برای نشان دادن مقاومت سربداران مورد استفاده قرار می‌داد. اگر اصالت و فکر اساسی و حساب شده‌ای پشت آیین اسب چوبی نبود، قطعاً، این آیین سنتی رنگ باخته بود و در گذر از حفره‌های تاریخی به فراموشی سپرده شده بود.

منابع

۱. اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۸۷)، تاریخ مغول، تهران: نگاه.
۲. افشار آرا، محمدرضا، (۱۳۸۰)، خراسان و حکمرانان یا تاریخ استانداری خراسان از آغاز تا پایان عصر قاجاریه، مشهد: محقق.
۳. بهمنی، پردیس (۱۳۸۹)، سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران، تهران: دانشگاه پیام نور
۴. بیرو، آلن (۱۳۸۰) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان
۵. بیهقی، محمود، (۱۳۸۶) دایره المعارف بزرگ سبزواری، مشهد: سنبله
۶. پطروشفسکی، ای. پی، (۱۳۵۱)، نهضت سربداران خراسان، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران: پیام.
۷. جعفریان، رسول، (۱۳۸۶)، از یورش مغولان تا زوال ترکمانان (تاریخ ایران اسلامی، دفتر سوم)، تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ پنجم.
۸. درویشی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، از میان سرودها و سکوت‌ها، تهران: مؤسسه ماهر، چاپ اول.
۹. رابرتسون، یان (۱۳۷۷)، درآمدی بر جامعه‌شناسی با تاکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی، ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۰. راوندی، مرتضی، (۱۳۶۷)، تاریخ اجتماعی ایران، (ج ۲) تهران: امیرکبیر.
۱۱. رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۸۴)، جامع التواریخ، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
۱۲. رضایی، عبدالعظیم، (۱۳۷۸)، گنجینه‌ی تاریخ ایران (غزنویان و سلجوقیان)، (ج ۱۱)، تهران: اطلس.
۱۳. ریترز، جورج (۱۳۸۰)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی
۱۴. ستاری، جلال (۱۳۷۴)، نماد و نمایش (مجموعه مقالاتی از مارتین اسلین و دیگران)، تهران: توس.

۱۵. سلگی، محمد (۱۳۸۹)، *سنجش ابعاد و مؤلفه‌های هویت فردی و اجتماعی و تأثیر آنها بر انسجام ملی دانشجویان دانشگاه‌های تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۶. قدیانی، عباس (۱۳۸۴)، *تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره مغول*، تهران: فرهنگ مکتوب.

۱۷. کریمی، یوسف (۱۳۸۲)، *روانشناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)*، تهران: ارسباران.

۱۸. نصری اشرفی، جهانگیر، (۱۳۸۳)، *نمایش و موسیقی در ایران*، (ج ۱)، تهران: آرون.

۱۹. روزنامه جام جم، مقاله: *اندیشه و آرمان در نهضت سربداران*، شماره ۳۱۷۹، به تاریخ ۱۳۹۰/۴/۲۷، صفحه ۱۱.

۲۰. شریفی، لیلا؛ زرغام، ادهم، (۱۳۹۲)، *سیر تحول تصویر اسب از دوره‌ی ماد تا دوره‌ی هخامنشی*.

۲۱. صالح پور، اردشیر، (۱۳۸۵)، *اسب در فرهنگ ایرانی*، چاپ شده در روزنامه ایران، شماره ۳۴۸۷ به تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۱، صفحه ۱۷ (فرهنگ‌هنر).

۲۲. کارگری، حسین (۱۳۶۹) *در باره اسب چوبی*، فصل‌نامه‌ی تئاتر، جلد ۹ و ۱۰، تهران: انتشارات مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۲۶۸-۲۷۷.

۲۳. پایگاه خبری - تحلیلی سبزوار پیام؛ ۱۲ فروردین ماه ۱۳۹۱.

۲۴. خبرگزاری فارس، ۱۳۹۰/۱۱/۰۴-۰۲:۲۲.

۲۵. حسین پور، اسماعیل؛ قدیمی، سهراب، (۱۳۹۰)، *اسب چوبی و توره، دو نمایش کهن در بین کردهای خراسان*، و بگاه فرهنگی، اجتماعی و ادبی باران بیار. سه‌شنبه یازدهم مرداد ۱۳۹۰.

۲۶. <http://www.sabzevarpayam.com/news.php?id=۲۰۸۱>

۲۷. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۲۱۱۰۴۰۰۰۰۲۱>

۲۸. <http://www.hiva۵۰.blogfa.com/post-۱۵۷.aspx>

کتاب‌شناسی موضوعی، توصیفی سربداران: نهضت سربداران سبزوار در گذر تاریخ

عفت عمادی تبار^۱

اعظم موذن^۲

محمد دولت‌آبادی^۳

چکیده:

اثر حاضر با انگیزه معرفی و گردآوری آثار منتشر شده درباره سربداران سبزوار تهیه شده است که یک کتاب‌شناسی از نوع موضوعی بوده و شامل تقریباً تمامی منابع فارسی مرتبط با موضوع سربداران سبزوار، شامل: کتابها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، فیلم، مصاحبه‌ها و... می‌باشد. شیوه تنظیم آن ابتدا با تفکیک بر اساس نوع منابع؛ کتابها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و سایر منابع و در داخل هر کدام از منابع مذکور بر اساس تنظیم الفبایی نام مولفین آمده است.

این کتاب‌شناسی شامل ۹۰ عنوان کتاب و تعداد ۷۵ مقاله و ۱۱ عنوان پایان‌نامه و ۶ عنوان؛ سایر موارد شامل سخنرانی، مصاحبه و... می‌باشد که به معرفی توصیفی این منابع پرداخته شده است. به امید این که این اثر بتواند به عنوان راهنمایی برای سایر محققانی که مایل به تحقیق و پژوهش در زمینه "سربداران" باشند، قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سربداران، کتاب‌شناسی، سبزوار

۱. دانشگاه حکیم سبزواری

۲. دانشگاه حکیم سبزواری

۳. دانشگاه حکیم سبزواری

مقدمه

کتاب بزرگترین دستاورد فرهنگی بشر است. دانش بشری مدیون هزاران هزار کتابی است که در طول تاریخ با رنج و تلاش فراوان گرد آمده است. کتاب تداوم معرفت علمی انسان است که سرانجام به تراکم دانش و بروز دگرگونی‌های تمدنی می‌انجامد. کتاب‌شناسی یا کتابنامه معادل واژه بیبلیوگرافی^۱ و به معنی تشریح، تفسیر، توصیف، و بررسی کتاب است و پیشینه این اصطلاح که ریشه یونانی دارد تقریباً به ۲۵۰۰ سال می‌رسد. «کتاب‌شناسی به صورت یا سیاهه‌های منظم از آثار مکتوب یک نویسنده و یا یک موضوع خاص، که دارای یک یا بیش از یک ویژگی مشترک است مانند زبان، شکل، زمان انتشار، و جز آن نیز اطلاق می‌گردد.»

اهمیت و ضرورت کتاب‌شناسی و کاربرد آن در پژوهش، از مسائل مورد قبول همگان است. کمتر پژوهشی بدون تکیه بر منابع و آثاری که در آن زمینه نوشته شده است به سامان خواهد رسید. کتاب‌شناسی به تعیین موضوع و حدود و ثغور آن کمک می‌کند. از همین رو، پس از انتخاب موضوع پژوهش، اساسی‌ترین مسئله، مراجعه به منابع برای گردآوری اطلاعات است. بنابراین هر پژوهشگری برای به سامان رساندن پژوهش خود به مطالعه و بازبینی کلیه آثار مربوط به موضوع مورد نظر نیاز دارد و آگاهی از آنها افزون برافزایش غنای پژوهش، از به هدر رفتن فرصت‌ها و دوباره کاری‌ها پیشگیری می‌نماید.

اما از نظر کاربرد، کتاب‌شناسی‌ها دارای کاربردهای بسیاری هستند که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

۱. وسیله‌ای برای انتخاب کتاب و دیگر منابع در زمینه مورد نظر.
 ۲. وسیله گردآوری اطلاعات کتاب‌شناسی نوشته‌های مربوط به یک موضوع.
 ۳. وسیله‌ای برای بهره‌گیری بهتر از دانش موجود و تجربه‌های دیگر جوامع، و.
 ۴. وسیله‌ای برای اعتلای سطح کیفی پژوهش‌ها.
- از نظر شیوه تنظیم، کتاب‌شناسی‌ها می‌تواند به یکی از صورت‌های زیر تقسیم گردد.

تنظیم الفبایی، بر اساس نام مولفان کتاب‌ها یا بر اساس عنوان کتاب‌ها یا بر اساس موضوع آن

تنظیم رده ای، در آن رده‌های دانش بشری به صورت الفبایی تنظیم می‌شود. تنظیم تقویمی یا تاریخی، که کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای مقاصد معینی چون صورت کتاب‌های قدیمی و نسخه‌های خطی به کار می‌رود. استفاده از مطالب منابع گوناگون و متنوع مانند کتاب، نشریات، و... زمانی آسان و از نظر صرف وقت مقرون به صرفه می‌شود که این منابع درست به کار گرفته شود. کتاب‌شناسی حاضر با عنوان "کتاب‌شناسی موضوعی، توصیفی سربداران: نهضت سربداران سبزوار در گذر تاریخ" با انگیزه معرفی و گردآوری آثار منتشر یافته در باره سربداران سبزوار تهیه شده است که شامل تقریباً تمامی منابع فارسی مرتبط با موضوع سربداران سبزوار، شامل: کتابها، مقالات، پایان نامه‌ها، فیلم، و مصاحبه‌ها می‌باشد، و شیوه تنظیم آن ابتدا تفکیک بر اساس نوع منابع، یعنی کتابها، مقالات، پایان نامه‌ها و سایر منابع، و در داخل هر کدام از منابع مذکور بر اساس تنظیم الفبایی نام مولفین آمده است.

کتاب‌ها

۱. آژند، یعقوب، ۱۳۲۸ - قیام سربداران / نوشته یعقوب آژند. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵. ۱۱۵ ص: جدول، نقشه.
۲. آژند، یعقوب، ۱۳۲۸ - قیام شیعی سربداران / یعقوب آژند. تهران: گستره، ۱۳۶۳. ۳۸۶ ص: نقشه، نمودار.
۳. آژند، یعقوب، ۱۳۲۸ - قیام‌های مردمی در قرن هفتم و هشتم هجری / یعقوب آژند. تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۵. ۱۱۸ ص.
۴. آئینه وند، صادق - قیام‌های شیعه در تاریخ اسلام / صادق آئینه وند؛ تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، (بی‌تا). ۹۷ ص: نقشه.
۵. ابن حوقل، محمد بن حوقل - صوره الارض / ابن حوقل، ترجمه جعفر شعار. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۰. ۵۲۸ ص.

۶. ابن عربشاه، احمدبن محمد، ۷۹۱-۸۵۴ق - عجایب المقدور فی اخبار تیمور / احمدبن محمد ابن عربشاه، ترجمه محمدعلی نجاتی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰. ج. ۱ (بدون شماره‌گذاری)

۷. احمدی، محمد ابراهیم - سیمای سبزوار سرزمین سربداران / محمد ابراهیم احمدی. قم: نبوغ، ۱۳۷۵. ۱۸۹ ص. : مصور، نقشه.

۸. اسمیت، جان‌مسن - خروج و عروج سربداران / جان‌ماسون اسمیت؛ ترجمه یعقوب آژند. تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۶۱. ۳۲۸ ص. : مصور، جدول، نمودار.

۹. اشپولر، برتولد، ۱۹۱۱-۱۹۹۰ م - تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی / برتولد اشپولر، ترجمه جواد فلاطوری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷. ج. ۲. نقشه.

۱۰. اشپولر، برتولد، ۱۹۱۱-۱۹۹۰ م - تاریخ مغول در ایران / برتولد اشپولر؛ ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲. شش، ۵۵۳ ص.

۱۱. اقبال، عباس، ۱۲۷۵-۱۳۳۴ - تاریخ مغول / عباس اقبال. تهران: امیر کبیر، ۱۳۴۷. ۶۲۴ ص.

۱۲. امین، علینقی - تاریخ سبزوار / تالیف علینقی امین. تهران: انتشارات دایره‌المعارف اسلامی، ۱۳۸۲. شصت و یک، ۶۷۹ ص: نقشه، نمونه.

۱۳. امین‌زاده، علی - جنبش‌های شیعی در تاریخ ایران (با نگاهی ویژه به سربداران) / نویسنده علی امین‌زاده. سبزوار: امید مهر، ۱۳۸۴. ۳۲۴ ص. مصور، نقشه، نمودار

۱۴. باسانی، آ. - تاریخ ایران کمبریج / آ. باسانی، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶. ج. مصور، جدول.

۱۵. باسورث، ادموند - سلسله‌های اسلامی / ادموند باسورث؛ ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۱۳۷۱. ۳۵۸ ص.

۱۶. بروکلمان، کارل، ۱۸۶۸-۱۹۵۶ م - تاریخ ملل و دول اسلامی / کارل بروکلمان؛ ترجمه هادی جزایری. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳. ۶۱۲ ص.

۱۷. بکران، محمد بن نجم - جهان نامه / محمدبن‌نجم بکران، به اهتمام برشچفسکی. مسکو: [بی نا]، ۱۹۶۵. ۱۴۱ ص.

۱۸. **بوا، لوسین** - تاریخ مغول (تیموریان) / لوسین بوا؛ ترجمه محمود بهفروزی. تهران: آزاد مهر، ۱۳۸۴. ۳۰۴ ص.
۱۹. **بیات، عزیزالله** - کلیات تاریخ ایران (از آغاز مشروطیت با ذکر اسناد و مأخذ آن/ عزیزالله بیات. تهران: موسسه میراث ملل، ۱۳۷۰. ۶۳۳ ص.
۲۰. **بیانی، شیرین، ۱۳۱۷-** مغولان و حکومت ایلخانی در ایران / شیرین بیانی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹. ۳۷۱ ص. : نقشه، نمودار
۲۱. **بیهقی، ابوالحسن علی بن زید** - تاریخ بیهق / ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف به ابن فندق؛ با تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار. تهران: اساطیر، ۱۳۹۰. ۳۹۲ ص.
۲۲. **بیهقی، محمود** - دایره‌المعارف بزرگ سبزواری/ محمود بیهقی، سبزواری: آژند، ۱۳۸۳. ج.
۲۳. **بیهقی، محمود** - سبزواری شهر دیرینه‌های پایدار/ محمود بیهقی. مشهد: کتابستان مشهد، ۱۳۷۰. ۳۲۰ ص.
۲۴. **پرویز، عباس** - قیام ایرانیان در راه تجدید مجد و عظمت ایران/ عباس پرویز. تهران: انتشارات مطبوعات علمی، ۱۳۵۱. ۱۹۰ ص.
۲۵. **پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ، ۱۸۹۸-۱۹۷۷م** - اسلام در ایران از هجرت تا پایان قرن نهم/ ایلیا پادلوویچ؛ ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام، ۱۳۵۴. ۵۶۵ ص.
۲۶. **پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ، ۱۸۹۸-۱۹۷۷م** - تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره مغول/ ا. پ. پطروشفسکی، کارل یان، جان ماسون اسمیت؛ ترجمه یعقوب آژند، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۶. ط، ۱۹۳ ص. : مصور، جدول، نمودار.
۲۷. **پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ، ۱۸۹۸-۱۹۷۷ م** - نهضت سرداران خراسان/ ای. پ. پطروشفسکی؛ ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام، ۱۳۵۱. ۱۱۹ ص.
۲۸. **پلیو، پل، ۱۸۷۸-۱۹۴۵م** - تاریخ سری مغولان «یوان چائویی شه»/ پل پلیو؛ ترجمه شیرین بیانی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۲. ل، ۱۱۴ ص.
۲۹. **ترکمنی آذر، پروین** - تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران (ز ورود مسلمانان به ایران تا تشکیل حکومت صفویه)/ پروین ترکمنی آذر. تهران: شیعه شناسی، ۱۳۸۳. ۴۰۸ ص.

۳۰. تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۱۵ - تاریخ ایران در یک نگاه/ ناصر تکمیل همایون، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱. ۱۱۹ ص.
۳۱. جعفریان، رسول، ۱۳۴۳- تاریخ ایران اسلامی/ رسول جعفریان. تهران: دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۷. ج۵. : مصور، جدول
۳۲. جعفریان، رسول، ۱۳۴۳- تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی / رسول جعفریان. قم: انصاریان، ۱۳۸۵. ۹۴۹ ص.
۳۳. الجوینی، عطاملک بن محمد - تاریخ جهانگشای جوینی/ تالیف علاءالدین عطاملک بن بهاءالدین محمد بن محمد الجوینی؛ ویراستار محمد بن عبدالوهاب قزوینی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۸۲ - ج۳.
۳۴. حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله، ۷۶۳-۸۳۴ ق - ذیل جامع‌التواریخ رشیدی: شامل وقایع (۷۰۳ - ۷۸۱) هجری قمری / حافظ ابرو؛ باهتمام خانابا بیانی. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰. ۳۵۸ ص. : نمونه.
۳۵. حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله، ۷۶۳-۸۳۴ ق - زبدة التواریخ / تالیف حافظ ابرو؛ به تصحیح کمال حاج سید جوادى. تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۷۲. ج۴.
۳۶. حسن بیگی، ابراهیم، ۱۳۳۶- سربداران/ ابراهیم حسن بیگی. تبریز: تلاش، ۱۳۶۳. ۲۰۰ ص.
۳۷. حسن بیگی، ابراهیم، ۱۳۳۶- قیام سربداران/ ابراهیم حسن بیگی. تهران: مدرسه، ۱۳۹۴. ۳۴ ص.
۳۸. الحسنی، هاشم معروف، ۱۹۱۹- جنبش‌های شیعی در تاریخ اسلام / هاشم معروف الحسنی؛ ترجمه محمدصادق عارف. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، ۱۳۷۱. ۶۴۰ ص.
۳۹. حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۱۳- تاریخ جنبش سربداران و دیگر جنبش‌های ایرانیان در قرن هشتم هجری/ تالیف عبدالرفیع حقیقت(رفیع). تهران: آزاد اندیشان، ۱۳۶۰. ۳۵۱ ص.
۴۰. حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۱۳- تاریخ جنبش سربداران و دیگر جنبش‌های ایرانیان در قرن هشتم هجری/ تالیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، تهران: علمی، ۱۳۶۳. ۳۵۱ ص.

۴۱. حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۱۳- تاریخ جنبش سرداران و دیگر جنبش‌های ایرانیان در قرن هشتم هجری/ تالیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، تهران: کومش، ۱۳۷۴. ۳۴۸ص.
۴۲. حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۱۳- تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان/ عبدالرفیع حقیقت. تهران: مولفان و مترجمان، ۱۳۶۱. ج.
۴۳. حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۱۳- تاریخ جنبش‌های مذهبی مذهبی در ایران از کهن‌ترین زمان تا عصر حاضر/ عبدالرفیع حقیقت. تهران: کومش، ۱۳۷۵. ج۲.
۴۴. حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۱۳- تاریخ جنبش سرداران و دیگر جنبش‌های ایرانیان در قرن هشتم هجری/ تالیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع). تهران: کومش، ۱۳۹۰. ۳۹۲ص.
۴۵. حقیقت، عبدالرفیع، ۱۳۱۳- قیام سرداران شامل داستان واقعه باشتین نخستین حرکت متشکل شیعیان دوازده امامی در ایران/ پژوهش و نگارش عبدالرفیع حقیقت (رفیع). [بی‌جا]: همگام، ۱۳۵۹. ۳۴ص. : مصور.
۴۶. حلاج، امید - جنبش‌های ملی ایرانیان: قیام... سرداران خراسان/ پژوهش و نگارش امید حلاج. تهران: به‌آوران، ۱۳۸۹. ۲۰۰ص. : مصور، نقشه.
۴۷. خواجه‌ویان، محمدجواد - تاریخ تشیع/ محمد کاظم خواجه‌ویان. مشهد: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۶. ۱۴۲ص.
۴۸. خواندمیر، غیاث‌الدین بن هماد الدین، ۸۸۰-۹۴۲ق - تاریخ حبیب السیر/ تالیف غیاث‌الدین خواندمیر؛ با مقدمه جلال‌الدین همایی. تهران: کتابخانه خیام، ۱۳۵۳. ۴ ج.
۴۹. دست‌غیب، عبدالعلی، ۱۳۱۰- هجوم اردوی مغول به ایران/ نوشته عبدالعلی دست‌غیب. تهران: نشر علم، ۱۳۶۷. ۵۲۴ص.
۵۰. دولت‌شاه، دولت‌شاه بن بختی‌شاه، قرن ۹ق - تذکره دولت‌شاه / دولت‌شاه سمرقندی. تهران: پدیده، ۱۳۶۶. ۲۳۲ص.
۵۱. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۲۵۸؟- ۱۳۳۴ - لغت‌نامه/ تالیف علی‌اکبر دهخدا؛ زیر نظر محمد معین، جعفر شهیدی؛ [با نظارت] موسسه لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ: روزنه، ۱۳۷۷. ج.

۵۲. **راوندی، مرتضی، ۱۲۹۲-** تاریخ اجتماعی ایران / مرتضی راوندی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳. ۱۰ ج. : مصور، نقشه.
۵۳. **رحماندوست، مصطفی، ۱۳۲۹-** سربداران: نمایشنامه در دو پرده / نویسنده مصطفی رحماندوست. [تهران]: [بی تا]. ۴۸ ص.
۵۴. **رحماندوست، مصطفی، ۱۳۲۹-** نمایشنامه سربداران / نویسنده: مصطفی رحماندوست. تهران: شباهنگ، ۱۳۵۷. ۴۷ ص.
۵۵. **رضایی، عبدالعظیم -** تاریخ ده هزار ساله ایران / عبدالعظیم رضایی. تهران: اقبال، ۱۳۸۷. ۴ ج.
۵۶. **رضوی، ابوالفضل -** شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان / تألیف ابوالفضل رضوی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸. ۴۸۰ ص. : مصور، جدول
۵۷. **رواسانی، شاپور -** نهضت‌های اجتماعی عدالت‌خواهانه در ایران: دوران سلطه مغول - دولت سربداران، قسمت چهارم نهضت‌های اجتماعی... / شاپور رواسانی. تهران: چاپخش، ۱۳۹۳. ۱۵۲ ص.
۵۸. **روملو، حسن، ۹۷۳ - ۹۸۵ق -** احسن التواریخ / حسن بیک روملو؛ به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹. ۳۲، ۹۳۴ ص.
۵۹. **رونقی، مهرداد -** سربداران / مهرداد رونقی. رشت: شاهد نیک، ۱۳۹۲. ۳۹ ص.
۶۰. **زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۰۱-** تاریخ مردم ایران / تألیف عبدالحسین زرین‌کوب. تهران: امیرکبیر ۱۳۷۷، - ۱۳۸۰. ۲ ج.
۶۱. **زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۰۱-** روزگاران ایران / تألیف عبدالحسین زرین‌کوب. تهران: سخن، ۱۳۷۵ - ۱۳۷۴. ۳ ج.
۶۲. **ساندرز، جان جوزف، ۱۹۱۰-** تاریخ فتوحات مغول / ساندرز؛ ترجمه ابوالقاسم حالت. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲. ۳۲۶ ص. : مصور، نقشه.
۶۳. **سردادور، حمزه، ۱۲۷۵ - ۱۳۴۹ -** بانوی سربدار: سرگذشت شیرین سربداران / حمزه سردادور، تهران: آهنگ فردا ۱۳۹۴. [۳۶۷] ص.

۶۴. سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق، ۸۱۶-۸۸۷ ق - مطلع السعیدین و مجمع البحرین / عبدالرزاق سمرقندی، به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳. ج.
۶۵. شاهد، احمد - سیری در زندگی سربداران (نثر و مثنوی) / مولف احمد شاهد. اسفراین: آستوئن، ۱۳۸۸. ۱۸۱ ص.
۶۶. شبانکاره‌ای، محمد بن علی، ۶۹۷-؟ - مجمع الانساب / محمد بن علی بن محمد شبانکاره‌ای؛ به تصحیح میر هاشم محدث. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱. ج ۲.
۶۷. شریعتی، علی، ۱۳۱۲-۱۳۵۶ - تشیع سرخ و تشیع سیاه: مقدمه‌ای بر نمایشنامه سربداران / علی شریعتی. تهران: اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا: انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کاندا، ۱۳۵۱. ۳۰ ص.
۶۸. شعبانی، رضا، ۱۳۱۷- مبنای تاریخ اجتماعی ایران / رضا شعبانی. تهران: قومس، ۱۳۷۱. ۲۴۲ ص.
۶۹. شهرستانی، محمدعلی، ۱۳۱۶- تفحصی در تاریخ سربداران خراسان و مازندران / محمدعلی شهرستانی. تهران: سکه، ۱۳۷۵. ۳۱۳ ص.
۷۰. الشیبی، کامل مصطفی، ۱۹۲۷- تشیع و تصوف (تا آغاز سده دوازدهم هجری) / کامل مصطفی الشیبی؛ ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹. ۴۴۶ ص.
۷۱. شیرازی، عبدالله بن عزالدین فضل‌الله - تاریخ وصاف الحضرة / عبدالله بن عزالدین فضل‌الله شیرازی؛ مقدمه، تصحیح تحشیه علیرضا حاجیان‌نژاد. تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارت و چاپ، ۱۳۰۳. ج. : نمونه.
۷۲. صدر حاج سید جوادی، احمد، ۱۲۹۶- دایره‌المعارف تشیع / زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی؛ کامران فانی؛ بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: بنیاد خیریه و فرهنگی شط، ۱۳۷۲. ج.
۷۳. طبری، مسعود - سربداران: برخی بررسی‌ها درباره جنبش سیاسی - اجتماعی سربداران خراسان / مسعود طبری. ساری: شلفین، ۱۳۹۱. ۴۳۲ ص.
۷۴. عمادزاده، حسین، ۱۲۸۵-۱۳۶۸ - تاریخ مفصل اسلام و تاریخ ایران بعد از اسلام / حسین عماد زاده اصفهانی. تهران: اسلام، ۱۳۷۴. ج ۲ در یک مجلد.

۷۵. فصیح، احمد بن محمد - مجمل فصیحی / احمد بن محمد فصیح ؛ به تصحیح محمد فرخ. مشهد: باستان، ۱۳۴۲. سی و یک، ۴۲۰ ص.
۷۶. قدیانی، عباس، ۱۳۴۲- تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره مغول / تألیف و گردآوری عباس قدیانی. تهران: فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۴. ۲۵۶ ص. : مصور، جدول، عکس، نمودار.
۷۷. لطیفی، کیانوش - سربداران / نوشته و نقاشی کیانوش لطیفی. تهران: دهداری، ۱۳۶۳. ۱۶ ص. مصور (رنگی)
۷۸. لمتون، آن کاترین سواين فورد، ۱۹۱۲- تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران / آن لمتون؛ ترجمه یعقوب آژند. تهران: نی، ۱۳۷۲. هفت، ۴۷۰ ص.
۷۹. مدیر شانه چی، کاظم، ۱۳۰۶- حکومت شیعه سربداران / کاظم مدیر شانه چی. یادنامه ابوالفضل بیهقی. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۴.
۸۰. مرتضوی، منوچهر، ۱۳۰۸- مسایل عصر ایلخانان / تألیف منوچهر مرتضوی؛ با نظارت و تنظیم محمدعلی پرغو، موسسه تاریخ و فرهنگ دانشگاه تبریز. تبریز: دانشگاه تبریز، انتشارات، ۱۳۹۱. ۴۱۶ ص. : نمونه.
۸۱. مشکور، محمد جواد، ۱۲۹۷-۱۳۷۴ - تاریخ ایران زمین از روزگار باستان تا انقراض قاجاریه / تألیف محمدجواد مشکور. تهران: اشراقی، ۱۳۶۶. ۴۵۶ ص.
۸۲. مشکور، محمد جواد، ۱۲۹۷-۱۳۷۴ - تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام / محمدجواد مشکور. تهران: اشراقی، ۱۳۵۵. ۲۵۳ ص.
۸۳. مورگان، دیوید، ۱۹۴۵- مغول‌ها / دیوید مورگان؛ ترجمه‌ی عباس مخبر. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۱. ۲۸۰ ص: مصور، نقشه.
۸۴. میرجعفری، حسین - تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان / حسین میرجعفری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۳. ده، ۳۸۱ ص: نقشه، نمودار.
۸۵. میر خواند، برهان الدین - تاریخ روضه الصفا / برهان‌الدین خواندمیر شهیر به میر خواند. تهران: خیام، ۱۳۳۹. ج.

۸۶. نبئی، ابوالفضل، ۱۳۱۶- اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن هشتم هجری: از سقوط ایلخانیان تا تشکیل تیموریان/ ابوالفضل نبئی. مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۴. ۱۲، ۲۱۴ص.

۸۷. نطنزی، معین‌الدین، قرن ۹ - منتخب التواریخ معینی: تألیف ۸۱۶ و ۸۱۷ هجری قمری/ منسوب به معین‌الدین نطنزی (معروف به آنونیم اسکندر)؛ بتصحیح ژان اوبن. تهران: خیام؛ ۱۳۳۶. ۴۹۲ص.

۸۸. نوذری، عزت‌الله - تاریخ اجتماعی ایران/ عزت‌الله نوذری. تهران: خجسته، ۱۳۸۰.
۸۹. ولی، وهاب، ویراستار - مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی هجوم مغول به ایران و پیامدهای آن/ ویراستار وهاب ولی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹. ۲ج.

۹۰. هجری، محسن - سربداران / محسن هجری؛ تصویرسازی فرید رزاقی؛ زیرنظر شورای کارشناسی دفتر انتشارات کمک آموزشی. تهران: مدرسه، ۱۳۸۵. ۱۱۱ص.

مقاله‌ها

۱. آهنچی، آذر. بررسی عوامل مؤثر در نخستین مرحله از نبش سربداران خراسان تا تشکیل دولت. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۷۶، (زمستان ۱۳۸۴): ص ۱۱۷ - ۱۳۸.

۲. آیتی، عبدالمحمد. سربداران. مجله آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، ش ۱۲۰، (بهمن ۱۳۴۹): ص ۶ - ۱۱.

۳. ابراهیم، فؤاد. رابطه فقیهان شیعی با دولت‌ها؛ مترجم محمد باغستانی. مجله فقه، ش ۲۴، (تابستان ۱۳۷۹): ص ۲۱۱ - ۲۵۶.

۴. احقاقی، اکرم. سربداران تلفیقی از هنر اسلامی و ایرانی بود. ماهنامه مهرنامه، ش ۳۹، (دی و بهمن ۱۳۹۳): ص ۱۶۲.

۵. از آتشکده آذربرزین تا سربداران. ماهنامه خواندنی، ش ۲۳، (تیر ۱۳۸۴): ص ۴۶.

۶. الهیاری، فریدون. حکومت‌های محلی ایران در قرن هشتم هجری و مساله مشروعیت؛ نویسنده همکار مرتضی نورائی، علی رسولی. فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، ش ۲، (تابستان ۱۳۸۹): ص ۱.
۷. امین، سید علی نقی. اوضاع سیاسی سبزووار بعد از اسلام. مجله‌وحید، ش ۲۴۰ و ۲۴۱، (نیمه دوم شهریور و نیمه اول مهر ۱۳۵۷): ص ۸۹ - ۹۶.
۸. انور فیاضی، محمد. تاریخ اجتماعی شیعیان ایران و عراق در نیمه دوم قرن هشتم هجری. مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۱۹، (پاییز ۱۳۸۷): ص ۹۵ - ۱۲۴.
۹. بابایی، پرویز. گوشه‌ی تاریک و فراموش شده از تاریخ ایران. مجله آدینه، سال ۱۳، ش ۱۲۵ و ۱۲۶، (نوروز ۱۳۷۷): ص ۴۷.
۱۰. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. تاریخ و کنگره تاریخ. مجله یغما، ش ۲۴۳، (آذر ۱۳۴۷): ص ۴۹۷ - ۵۰۹.
۱۱. باقری‌زاده، محمد. تاثیر ترس بر تصمیم‌گیری کارآمد. مجله تدبیر، ش ۶۶، (مهر ۱۳۷۵): ص ۴۲ - ۵۹.
۱۲. بایم‌تاف، لقمان. تحقیقاتی درباره سربداران سمرقند. کیهان فرهنگی، ش ۱۶۳، (اردیبهشت ۱۳۷۹): ص ۴۶ - ۴۷.
۱۳. بایم‌تاف، لقمان. چگونگی ظهور امیر تیمور گورکانی. کیهان فرهنگی، ش ۱۶۱، (اسفند ۱۳۷۸): ص ۵۸ - ۶۳.
۱۴. بحث انتقادی و ادبی و اجتماعی. مجله ارمغان، ش ۱۷۸، (تیر ۱۳۱۵): ص ۲۵۴ - ۲۶۲.
۱۵. برگ‌هایی از تاریخ. مجله دانشگاه انقلاب، ش ۳۶، (خرداد ۱۳۶۳): ص ۶۰ - ۶۳.
۱۶. بیگ‌محمدی‌اندریان، محمدرحیم. شهید اول، فقیه نهضت سربداران. کیهان، ش ۱۶ (آذر ۱۳۷۲): ص ۶.
۱۷. ترکمنی آذر، پروین. فعالیت سیاسی شیعیان اثناعشری در ایران (از ورود مسلمانان تا تشکیل حکومت صفویه. مجله شیعه‌شناسی، ش ۱۲، (زمستان ۱۳۸۴): ص ۱۷۵ - ۲۱۲.

۱۸. ترکمنی آذر، پروین. **موقعیت شیعیان ایران در دوره ایلخانان**. مجله شناخت، ش ۳۱، (پاییز ۱۳۸۰): ص ۱۲۷-۱۴۲.
۱۹. پرویز، عباس. **سربداران**. مجله بررسی‌های تاریخی، ش ۲۳ و ۲۴، (آذر و اسفند ۱۳۴۸): ص ۱۰۱-۱۱۸.
۲۰. پرهیزکاری، روح‌الله. **نقش دولت شیعی سربداران خراسان در گسترش تشیع و تمدن اسلامی**. فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۱۳، (زمستان ۱۳۹۲): ص ۳۱.
۲۱. پطروشفسکی، ای. پ. **نهضت سربداران در خراسان**. نویسنده کریم کشاورز. مجله فرهنگ ایران زمین (۱۳۴۱): ۱۲۴-۲۲۴.
۲۲. جعفریان، رسول. **پطروشفسکی در میان ایرانیان، گزارشی از کتاب نهضت سربداران خراسان**. مجله آینه پژوهش، ش ۶۰، (بهمن، اسفند ۱۳۷۸): ص ۵۷-۶۵.
۲۳. حاکمی والا، اسماعیل. **آیین فتوت و جوانمردی**. مجله کیهان فرهنگی، ش ۲۰۱، (تیر ۱۳۸۲): ص ۲۸-۳۳.
۲۴. حسن‌نیا، محمد. **عصر فترت**. مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۳۳، (خرداد ۱۳۸۸): ص ۳۲-۳۷.
۲۵. حسنی، علی‌اکبر. **نقش علمای شیعه درباره صفویه**. مجله مجتمع آموزش عالی، ش ۲، (تابستان ۱۳۷۸): ص ۱۱۹-۱۵۲.
۲۶. حسین‌پور، علی. **تاریخ اجتماعی شیعیان ایران در نیمه نخست قرن نهم هجری**. مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۱۶، (زمستان ۱۳۸۶): ص ۵۹-۸۲.
۲۷. حسین‌زاده‌شانه‌چی، حسن. **بازخوانی زندگی علمی و آثار حسن بن حسین بیهقی: (عالم شیعی قرن هشتم هجری)**. مجله تاریخ در آینه پژوهش، ش ۱۴، (تابستان ۱۳۸۶): ص ۸۱-۹۶.
۲۸. حضرتی، حسن. **تبیین نظری نهضت‌های شیعی - صوفی در ایران (قرون هفتم تا دهم هـ. ق)**. نویسنده همکار حسن ناصح ستوده. مجله مطالعات تاریخ اسلام، ش ۶، (پاییز ۱۳۸۹): ص ۵۱-۷۴.

۲۹. حقیقت، عبدالرفیع. نهضت سربداران. مجله وحید، ش ۳۳ (شهریور ۱۳۴۵): ص ۷۴۴ - ۷۵۱.
۳۰. خسروبیگی، هوشنگ. تشکیلات اداری سربداران. نویسنده همکار محمودرضا اسفندیار. پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال اول، ش ۲، (بهار و تابستان ۱۳۹۲): ص ۵۶-۷۳.
۳۱. رباط‌جزی، مجید. تاریخ اجتماعی شیعیان ایران و عراق در نیمه اول قرن هشتم هجری. مجله تاریخ اسلام درآیین پژوهش، ش ۱۴، (تابستان ۱۳۸۶): ص ۹۷ - ۱۲۸.
۳۲. رحیمی، الف. نهضت سربداران. روزنامه رسالت، (۱۵ آذر ۱۳۸۵): ص ۱۸.
۳۳. رشیدی‌آشجودی، مرتضی. جوانمردی، اندیشه‌ای فراسوی مرزها. مجله کیهان فرهنگی، ش ۱۷۷، (تیر ۱۳۸۰): ص ۵۴ - ۵۷.
۳۴. رضوی، رسول. مهدویت در میان سربداران. فصلنامه مشرق موعود، ش ۳، (پاییز ۱۳۸۶): ص ۹۹.
۳۵. رفیعی، امیرتیمور. شورش سلطان‌علی سبزواری. فصلنامه مطالعات و تحقیقات تاریخی، ش ۱۶، (تابستان ۱۳۸۶): ص ۱-۱۴.
۳۶. روحانی، کاظم. از نصیحه الملوك تا سلوك الملوك. مجله کیهان اندیشه، ش ۴۲، (مهر و آبان ۱۳۶۴): ص ۷۹ - ۸۲.
۳۷. روحانی، کاظم. اصناف و پیشه‌وران در تاریخ ایران. مجله کیهان اندیشه، ش ۱۱، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۶): ص ۷۰ - ۸۳.
۳۸. روحانی، کاظم. انعکاس نهضت سربداران در جهان اسلام. مجله کیهان اندیشه، ش ۳۰، (خرداد و تیر ۱۳۶۹): ص ۹۵ - ۱۲۰.
۳۹. روحانی، کاظم. تحلیلی بر نهضت سربداران. مجله کیهان اندیشه، ش ۲۷، (آذر و دی ۱۳۶۸): ص ۹۰ تا ۱۰۸.
۴۰. روحانی، کاظم. تحلیلی بر نهضت‌های سیاسی، دینی ایران. کیهان اندیشه، ش ۲۱، (آذر و دی ۱۳۶۷): ص ۸۸ - ۱۰۰.

۴۱. روحانی، کاظم. نهضت‌های پهلوانی ایران: نهضت پهلوان اسد خراسانی. مجله وحید، ش ۴۶، (مهر ۱۳۴۶): ص ۸۷۶ - ۸۷۹.
۴۲. رودگر، قنبرعلی. خاندان زنگی فریومدی. مجله مطالعات اسلامی، ش ۶۸، (تابستان ۱۳۸۴): ص ۱۶۳ - ۱۷۹.
۴۳. رییس‌السادات، حسین. تاریخ اسلام خواجه عبدالرزاق سربداری. مجله مشکوه، ش ۳۴، (بهار ۱۳۷۱): ص ۱۴۳ - ۱۴۸.
۴۴. رییس‌السادات، حسین. شیخ خلیفه. مجله مشکوه، ش ۲۸، (پاییز ۱۳۶۹): ص ۱۴۳ - ۱۴۷.
۴۵. رییس‌السادات، حسین. علل و انگیزه‌های نهضت سرداران. مجله مشکوه، ش ۲۷، (تابستان ۱۳۶۹): ص ۱۷۹ - ۱۸۴.
۴۶. زرگری نژاد، غلامحسین. تکوین و تحول جامعه هزاره و فراز و نشیب‌های آن در مناسبات با حکومت‌های ایران در دوره صفوی و قاجار. مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۴۴، ۴۵، (خرداد و تیر ۱۳۸۰): ص ۶۴ - ۸۱.
۴۷. زرینکوب، عبدالحسین. ارزش میراث صوفیه. مجله یغما، ش ۱۸۲، (شهریور ۱۳۴۲): ص ۶۵ - ۸۰.
۴۸. سبزوار و سرداران/ ماهنامه شاهد جوان، ش ۴۶۵، (اردیبهشت ۱۳۹۳): ص ۳۰.
۴۹. سرداران، روایت حماسه‌ای تاریخی/ سروش، سال ۱۷، ش ۷۶۶، (۱۱ آذر ۱۳۷۴): ص ۱۰ - ۱۵.
۵۰. سیدعلوی، ابراهیم. تشیع ایرانیان. مجله کیهان فرهنگی، ش ۱۶۰، (اسفند ۱۳۶۷): ص ۱۶ - ۱۹.
۵۱. شفیعی سروستانی، اسماعیل. شیعیان سربدار. مجله موعود، ش ۱۰۴، (مهر ۱۳۸۸): ص ۴۰ - ۴۱.
۵۲. صدرزاده، مینو. تحلیلی بر ماهیت حکومت سرداران بی‌هق. فصلنامه تاریخ‌پژوهی، ش ۲۰، (پاییز ۱۳۸۳): ص ۱۰۰.

۵۳. طبیبی، حشمت‌الله. پیدایش تصوف و زمینه‌های اجتماعی آن. مطالعات جامعه‌شناختی، ش ۴، (زمستان ۱۳۶۹): ص ۵۵-۹۰.
۵۴. طهماسبی، ساسان. نقش دین در به قدرت رسیدن تیمور و سیاست خارجی وی. مجله تاریخ روابط خارجی، ش ۲۸، (پاییز ۱۳۸۵): ص ۹۳-۱۱۰.
۵۵. عابدینی، ابوالفضل. مسجد و سازماندهی نهضت‌های اسلامی. مجله مسجد، ش ۵۰، (خرداد، تیر ۱۳۷۹): ص ۵۲-۵۹.
۵۶. عبدی‌فرد، لیلا. سربداران در آینه تاریخ. مجله قدس، (آبان ۱۳۷۷): ص ۸.
۵۷. عظیم‌زاده، امید. پژوهشی پیرامون جنبش سربداران. روزنامه اطلاعات، (۲۸ آبان ۱۳۸۱): ص ۶.
۵۸. علی‌خانی، اسماعیل. جریان‌شناسی جنبش‌های مهدوی. مجله معرفت کلامی، ش ۳، (پاییز ۱۳۸۹): ص ۱۷۳-۲۰۵.
۵۹. فتحی‌نیا، مهدی. رابطه دین و دولت نزد سربداران. مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۲۳، (پاییز ۱۳۸۸): ص ۱۸۱-۲۰۸.
۶۰. قراگز لو، محمد. درآمدی پیرامون بر آینده‌های سیاسی - اقتصادی یورش مغول. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۱۳ و ۲۱۴، (خرداد و تیر ۱۳۸۴): ص ۲۶۰-۲۶۹.
۶۱. قراگز لو، محمد. مروری بر نتایج یورش مغولان. مجله کیهان فرهنگی، ش ۱۵۳، (تیر ۱۳۷۸): ص ۵۶-۶۰.
۶۲. قصابیان، محمدرضا. خراسان از اسلام تا کنون. مجله مشکوئه، ش ۵۶ و ۵۷، (پاییز و زمستان ۱۳۷۶): ص ۲۰۳-۲۲۰.
۶۳. مرادی‌نسب، حسین. دولت سربداران و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در قرن هشتم. مجله تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۲۴۴، (زمستان ۱۳۸۲): ص ۱۴۳-۱۶۶.
۶۴. مدرس سعیدی. بحران مشروعیت در حکومت سربداران (۷۳۶ تا ۷۸۳ ق / ۱۳۳۶ تا ۱۳۸۱ م). فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال ششم، ش ۲، (تابستان ۱۳۹۳): ص ۱۲۵-۱۴۲.

۶۵. مدنی، محمد سعید. قیام سربداران. مجله کیهان فرهنگی، سال ۱۴، ش ۱۳۳، (خرداد و تیر ۱۳۷۶): ص ۵۴-۵۹.
۶۶. مشایخ فریدنی، محمدحسین. تشیع، جنبش‌ها، دولتها. دایره المعارف تشیع. تهران، ج. ۴، ۱۳۷۴.
۶۷. مشکور، محمدجواد. نظری به مذهب در ایران / نویسنده: مشکور، محمد جواد؛ مجله: مسائل ایران اردیبهشت ۱۳۴۵ - شماره ۳۵ (ص ۳۴۸-۳۵۷).
۶۸. موبد، میرمهدی. سربداران. ماهنامه هوخ، سال سی‌ویکم، ش ۲، (اردیبهشت ۱۳۵۹).
۶۹. نظری، سعید. بررسی روایات کشتار تیمور در سبزوار. دو فصلنامه تاریخ و فرهنگ، ش ۸۹، (پاییز و زمستان ۱۳۹۱): ص ۸۵.
۷۰. نورانی، مرتضی. اندیشه سیاسی ایرانی و پایتخت‌های ایران (۹۰۷ - ۲۰۵ هـ ق / ۱۵۰۱ - ۸۲۰). مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۴۰، (بهار ۱۳۸۴): ص ۱۷۹ - ۲۰۲.
۷۱. نوروزی، جمشید. دریافت‌هایی از یک مکاتبه تاریخی، بازخوانی نامه شیخ حسن جوری به محمد بیک جانی قربانی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۸۱ - ۸۳، (تیر، مرداد ۱۳۸۳): ص ۱۶۸ - ۱۷۱.
۷۲. وفا، جعفر. آسیب شناسی حکومت‌های شیعی. مجله حصون، ش ۶، (زمستان ۱۳۸۴): ص ۹۲ - ۱۱۰.
۷۳. ولوی، علی محمد. رویکرد عاطفی به واقعه ی کربلا در متون فارسی پیش از قرن نهم (مطالعه موردی: آثار حسن شیعی سبزواری). نویسنده رقیه میرابوالقاسمی، مجله مطالعات تاریخ اسلام، ش ۹، (تابستان ۱۳۹۰): ص ۵۱ - ۱۶۹.
۷۴. ولی زاده، حمید رضا. نظری اجمالی به اوضاع خراسان بعد از حمله مغول. مجله تاریخ پژوهی، ش ۱۹، (تابستان ۱۳۸۳): ص ۱-۲.
۷۵. یزدان‌پرست، حمید. فرجام و پیامد ایلغار مغول. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۸۶، (زمستان ۱۳۹۰): ص ۱۱۰-۱۲۹.

پایان‌نامه‌ها

۱. آژند، یعقوب، ۱۳۲۸- قیام شیعی مرعشیان با تکیه بر قیام شیعی سربداران/ یعقوب آژند: کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
۲. ابوچناری، اسماعیل - بررسی وضعیت تشیع در سبزوار در سده ۱۰-۷ هجری/ اسماعیل ابو چناری: استاد راهنما محمدعلی علیزاده؛ کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود، ۱۳۹۳.
۳. جعفری‌مذهب، محسن - استقرار تشیع در حکومت سربداران/ محسن جعفری مذهب: استاد مشاور عطاءالله حسنی؛ دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.
۴. دانش‌فر، مهرانه - بررسی مناسبات قدرت در خراسان از فروپاشی ایلخانان تا ظهور تیمور/ استاد راهنما حسین رئیس‌السادات: کارشناسی ارشد، دانشگاه بیرجند، ۱۳۹۲.
۵. ربانی، زهرا - شیعه در ایران دوران مغول / زهرا ربانی: استاد راهنما یدالله نصیریان؛ کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۶. رضائزاد، حسین - مناسبات سیاسی و مذهبی سربداران و حکومت‌های همجوار/ حسین رضائزاد: استاد راهنما بشری دلریش، استاد مشاور علی ناظمیان فر. - کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد: ۱۳۹۲.
۷. زحمتی، مجتبی - نقش پهلوانان در تاریخ ایران، با تا کید بر دوره ی مظفریان و سربداران/ مجتبی زحمتی: استاد راهنما مریم معزی. کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۳.
۸. شاکری، رضا - بررسی نهضت سربداران و پیامدهای سیاسی - اجتماعی آن/ رضا شاکری: استاد راهنما یعقوب آژند. کارشناسی ارشد حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۵.
۹. عبادی، حسن - نهضت و قیام سربداران سبزوار/ حسن عبادی: استاد راهنما... . ؛ کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.

۱۰. کرامتی، یحیی - تأثیر نهضت سربداران در تحولات عقیدتی و سیاسی نهضت‌های قرن هشتم و نهم هجری قمری/ یحیی کرامتی: استاد راهنما محمد امیر شیخ نوری، کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، ۱۳۸۳.

۱۱. نعمتی، فریده - سربداران سبزوار و رابطه‌ی آن با سربداران سمرقند، کرمان و مازندران/ فریده نعمتی؛ استاد راهنما حسن صادقی سمرجانی/ کارشناسی ارشد تاریخ تشیع، دانشگاه حکیم سبزواری: ۱۳۹۳.

سایر منابع

۱. آزند، یعقوب - سربداران در مثلث تصوف، تشیع و سیاست: گفت‌وگو با یعقوب آزند پژوهشگر حوزه تاریخ ماهنامه مهرنامه، شماره ۳۹، دی و بهمن ۱۳۹۳ (ص ۱۵۶).

۲. بهجت محمدی، فیروز - تاریخ پر از تاخت و تاز / گزارش فیلم، سال ۶، ش ۷۰، آذر ۱۳۷۴ (ص ۶۶). بهجت محمدی، فیروز

۳. داوری اردکانی، رضا - عرفان و سیاست / سخنران: داوری اردکانی، رضا؛ مجله: پژوهشنامه متین، تابستان ۱۳۷۹ - شماره ۷ (ص ۲۶۱-۲۷۸).

۴. رجبی، محمد - گفتگو: دین و انقلاب اسلامی / مصاحبه شونده: رجبی، محمد؛ مجله: مطالعات انقلاب اسلامی، دوره اول، زمستان ۱۳۷۷ - شماره ۱ ص ۷-۶۴.

۵. فیاض، ابراهیم - بازخوانی سربداران گرفتار انحراف شده است: گفت‌وگو با ابراهیم فیاض؛ ماهنامه مهرنامه، شماره ۳۹، دی و بهمن ۱۳۹۳ (ص ۱۵۸).

۶. وامقی، ایرج، سخنران - ایران در آستانه ورود تیمور به تاریخ / سخنران: وامقی، ایرج؛ مجله: اطلاعات سیاسی - اقتصادی مرداد و شهریور ۱۳۷۶ - شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ (ص ۵۲-۵۹).

منابع

۱. انوشه، حسن (۱۳۸۰). دانشنامه ادب فارسی. - [ویراست ۲]. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی.
۲. مرادی، نورالله (۱۳۸۶). مرجع‌شناسی: شناخت خدمات و کتاب‌های مرجع. تهران: فرهنگ معاصر.
۳. نظری، زهرا؛ پیشگاه‌زاده، احمد؛ مولانا، حمید (۱۳۹۰). کتاب‌شناسی رسانه. - تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۴. www.irandoc.ac.ir
۵. www.magiran.ir
۶. www.nlai.ir
۷. www.noormags.ir